

تحلیل سیاست خارجی و امنیتی ترامپ در قبال پاکستان

حمید درج^۱

چکیده

موقعیت ژئوپلیتیکی و استراتژیک پاکستان در جنوب آسیا همواره این کشور را در کانون توجه سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا قرار داده است. از بدو تأسیس پاکستان، روابط واشنگتن و اسلام‌آباد فراز و فرودهای متعددی را تجربه کرده و طیفی از همکاری‌های نزدیک تا روابط سرد و خنثی را دربر گرفته است. ترامپ با متهم ساختن پاکستان به پناه دادن به گروه‌های تروریستی، رویکردی مبتنی بر فشار سیاسی و اعمال تحریم‌ها را در قبال این کشور اتخاذ کرده است که این امر موجب سردی محسوس در روابط میان واشنگتن و اسلام‌آباد شده است. از منظر دولت آمریکا، عدم جدیت لازم دولت پاکستان در مبارزه مؤثر با گروه‌های تروریستی، کاخ سفید را به سمت کاهش و حتی تعلیق کمک‌های نظامی و اقتصادی به این کشور سوق داد. در این چارچوب، سؤال اصلی مقاله آن است که دولت ترامپ چه سیاستی را در قبال پاکستان دنبال می‌کند؟ فرضیه پژوهش این است که دولت ترامپ، به دلایلی همچون عدم تعهد کافی پاکستان در مقابله با تروریسم، نگرانی از احتمال دسترسی شبه‌نظامیان اسلام‌گرا به تأسیسات هسته‌ای این کشور و از طرفی، تضعیف و مهار رقبای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای خود از جمله روسیه، چین و ایران، رویکردی تنبیهی و سخت‌گیرانه در قبال اسلام‌آباد اتخاذ کرده است. در این راستا، سیاست فشار دولت ترامپ در قبال پاکستان، به‌عنوان ابزاری در چارچوب سیاست خارجی ایالات متحده، موجب تضعیف روابط دوجانبه و کاهش سطح همکاری‌های سیاسی و امنیتی میان دو کشور شده است. در این پژوهش، با بهره‌گیری از نظریه واقع‌گرایی تهاجمی و با اتکاء به روش توصیفی - تحلیلی، فرضیه پژوهش مورد آزمون قرار می‌گیرد.

کلید واژگان: ترامپ، پاکستان، امنیت، تروریسم، واقع‌گرایی تهاجمی.

^۱. دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، رشت، ایران (نویسنده مسئول)

۱. مقدمه

پاکستان دارای موقعیتی استراتژیک است که از بدو تأسیس در سال ۱۹۴۷، تاکنون نقش مهمی در معادلات منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای قدرت در جنوب آسیا بر عهده داشته است. بر این اساس، ایالات متحده، پاکستان را به عنوان متحد خود در منطقه انتخاب نموده تا از این طریق بتواند از آن به عنوان وزنه‌ای برای مهار و کنترل چین، روسیه و ایران استفاده نماید. در این راستا؛ دو کشور آمریکا و پاکستان از روابطی بسیار نزدیک و دوستانه برخوردار بوده‌اند. مصداق بارز این قضیه دوران جنگ سرد و سپس شکل‌گیری حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود که نقش پاکستان برای مبارزه علیه شوروی و تروریسم مورد توجه ایالات متحده قرار گرفت. همین مسأله باعث شد که توسعه تسلیحات هسته‌ای پاکستان با فشار کمتری از سوی واشنگتن مواجه شود. اما با خروج شوروی از افغانستان و پایان جنگ سرد، تیرگی و واگرایی بر روابط واشنگتن - اسلام‌آباد حاکم گشت. حملات گسترده پهبادی آمریکا در خاک پاکستان در دوران اوباما به بهانه مبارزه با تروریسم القاعده، موجب شکاف عمیق در روابط دو کشور شد. این شکاف در دوران ترامپ و تحت تأثیر سیاست خارجی وی که در صدد نزدیکی به هند در جهت تقابل با چین است؛ گسترش پیدا کرده است. نقش مخرب پاکستان در افغانستان و حمایت این کشور از تروریسم را می‌توان علت اصلی اتخاذ راهبرد ترامپ در قبال اسلام‌آباد دانست. ترامپ از وجود سلاح‌های هسته‌ای در پاکستان به ویژه به دلیل وجود گروه‌های تروریستی متعدد در این کشور و احتمال دسترسی تروریست‌ها به سلاح‌های هسته‌ای ابراز نگرانی کرده است و آن را تهدیدی علیه امنیت و منافع واشنگتن و متحدان آن در جنوب آسیا قلمداد می‌کند؛ که این خود می‌تواند روابط واشنگتن - اسلام‌آباد را تحت تأثیر قرار دهد و به اتخاذ سیاست‌های تهاجمی دولت ترامپ در قبال پاکستان منجر شود. بر این اساس، سؤال اصلی مقاله این است که ترامپ در قبال پاکستان چه سیاستی را دنبال می‌کند؟ برای تحلیل داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده از نظریه رئالیسم تهاجمی استفاده شده است.

۲. ادبیات و پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی درباره روابط ایالات متحده آمریکا و پاکستان و نیز سیاست خارجی آمریکا در قبال این کشور انجام شده است. در ادامه، به مهم‌ترین این پژوهش‌ها که بیشترین قرابت را با موضوع مقاله حاضر دارند، پرداخته می‌شود.

۱- کیهان برزگر و زهرا محمودی (۱۳۹۴)، در مقاله تحت عنوان «تحلیل سیاست آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای پاکستان از منظر نواقع‌گرایی و سازه‌انگاری»؛ معتقدند که سیاست آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای پاکستان متأثر از متغیرهای ساختار مادی (ویژگی‌های مرتبط با ساختار نظام بین‌الملل) و ساختار غیرمادی و هویتی است. نویسندگان تصریح دارند که همان‌گونه که در دوران جنگ سرد، الزامات استراتژیکی و ساختاری برای آمریکا مانند لزوم سد نفوذ شوروی و مبارزه با کمونیسم، عامل عدم مخالفت جدی واشنگتن با برنامه هسته‌ای پاکستان محسوب می‌گردید؛ در دوران پس از جنگ سرد و به خصوص پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۱۴، نیز ملاحظات همانچون ایجاد ثبات از طریق ایجاد بازدارندگی هسته‌ای پاکستان در مقابل هند، پذیرش نظم و نظام موجود بین‌المللی توسط پاکستان و نیاز آمریکا به اسلام‌آباد برای مبارزه علیه تروریسم، باعث شده است که پاکستان از اقدامات تنبیهی آمریکا علیه برنامه هسته‌ای خود مصون بماند.

۲- مرتضی شیرودی و سید بسم‌الله مهدوی (۱۳۹۱)، در مقاله «عوامل مؤثر بر روابط سیاسی پاکستان و آمریکا (۱۳۸۴-۱۳۲۶ ش/۲۰۰۵-۱۹۴۷م)»؛ نیازهای منطقه‌ای آمریکا به پاکستان، مهم‌ترین نقش را در روابط سیاسی دو کشور داشته است. هر وقت این نیازمندی مثل دوران جنگ سرد، حمله شوروی به افغانستان، مبارزه با تروریسم و حمله آمریکا به افغانستان شدید می‌شود؛ روابط دو کشور رو به توسعه می‌گذارد. تا جایی که عوامل چالش برانگیز دیگری همچون برنامه هسته‌ای پاکستان و... نادیده انگاشته می‌شود؛ ولی زمانی که از شدت آن کاسته می‌گردد؛ مثل بعد از جنگ سرد و فروپاشی شوروی، آمریکا کشور پاکستان را به فراموشی سپرده و در تلاش برای جلب رضایت هند بر آمده است.

۳- خالد حسین خاندیو (۲۰۱۸)، در اثر خود با عنوان «ترامپ و آسیای جنوبی: سیاست‌ها و چشم‌اندازهای روابط پاکستان-آمریکا»، به این نکته اشاره می‌کند که معماری اقتصادی و امنیتی آسیای جنوبی در حال تغییر است. خاندیو معتقد است؛ تمایل ترامپ درباره افزایش نقش هند در کابل و مبارزه با تروریسم نگرانی‌های بیشتری برای اسلام‌آباد ایجاد کرده است. این سیاست می‌تواند سبب ایجاد شکاف هر چه بیشتر در منطقه به شدت شکننده و بی‌ثبات شود؛ جایی که مسائل سیاسی حل نشده‌ای، خصوصاً مناقشات بین دو کشور مسلح هسته‌ای یعنی پاکستان و هند هنوز وجود دارد.

۴- مراد علی (۲۰۱۹)، در کتاب خود تحت عنوان «سیاست و خط‌مشی کمک‌های آمریکا به پاکستان» معتقد است؛ پاکستان امروز با تکثیر سلاح‌ها، مواد مخدر، تروریسم، فرقه‌گرایی و اقتصاد سیاه مواجه است و منجر به ورشکستگی و انزوای دیپلماتیکی این کشور در منطقه شده است. فرض نویسنده این است که به رغم دستاوردهای ملموس قابل توجه به واسطه کمک‌های نظامی و تسلیحاتی آمریکا و نیز اقدامات عمرانی در این کشور، پاکستان هزینه سنگینی به خاطر ائتلاف با آمریکا در دوره پس از جنگ سرد پرداخت کرده است. آمریکا زمانی که منافع راهبردی آن ایجاب می‌کرده است، از یک دیکتاتور در پاکستان حمایت کرده است؛ لذا کمک‌های آمریکا، تحولات داخلی پاکستان را به صورت منفی تحت تأثیر قرار داده است و جاه‌طلبی‌های نظامی پاکستان را تشدید و به تضعیف دموکراسی انجامیده است. تجربه نشان می‌دهد؛ همه کشورهایی که از کمک‌های آمریکا بهره برده‌اند، رژیم‌های دیکتاتوری طولانی دارند و هنوز در چارچوب این رژیم‌ها این کمک‌ها ادامه دارد.

۵- حسین نادیم (۲۰۱۷)، در کتاب خود با نام «نه دوست و نه دشمن: پاکستان، ایالات متحده و جنگ در افغانستان»، می‌گوید؛ در حالی که ترامپ راهبرد خود را بر افغانستان متمرکز کرده است؛ اما کارشناسان در واشنگتن درباره این که چگونه پاکستان را مدیریت کنند، در حال بحث هستند. یکی از اهداف کلیدی ترامپ متوقف کردن حمایت پاکستان از شبکه حقانی و دیگر گروه‌های تروپستی است که منافع خودخوانده آمریکا را در افغانستان هدف قرار می‌دهد. برخی کارشناسان معتقدند که آمریکا باید پاکستان را تنبیه کند و ضمن معرفی این کشور به عنوان یک کشور حامی تروریسم، تحریم‌های اقتصادی و امنیتی نیز علیه اسلام‌آباد وضع کند. البته پاکستان نباید به مجاهدین و تروریست‌ها به عنوان یک سرمایه نگاه کند. نویسنده معتقد است؛ پاکستان هرگز به طور کامل یک دوست یا دشمن آمریکا نبوده است.

۶- ویناری خارا (۲۰۱۷)، در اثر خود با عنوان «روابط آمریکا و پاکستان در عصر ترامپ»، بیان می‌دارد که سیاست ترامپ در افغانستان و فشار متعاقب آن توسط مقامات آمریکا، تغییر رفتار در دسرساز پاکستان را هدف گرفته است؛ اگرچه چشم‌انداز نامشخصی برای موفقیت در این زمینه وجود دارد. نویسنده معتقد است که آمریکا نمی‌تواند از اهمیت ژئوپلیتیکی پاکستان دست بکشد. به علاوه، پاکستان ششمین کشور پرجمعیت جهان و دارای ارتش قدرتمندی برای کنترل سلاح‌های هسته‌ای

2. Khalid Hussain Chandio

3. Murad Ali

4. Hussain Nadim

5. Vinay Kaura

است و به لحاظ راهبردی در محل تقاطع بین شبه‌قاره هند، آسیای مرکزی و خلیج فارس قرار دارد. نوآوری و تازگی مقاله در این است که اگرچه کتاب‌ها و مقالات زیادی به سیاست خارجی دولت ترامپ نسبت به پاکستان پرداخته‌اند؛ اما تحقیقات و پژوهش‌های صورت پذیرفته به صورت جزئی و پراکنده این موضوع را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. لذا این پژوهش در تلاش است؛ به طور مجزا و خاص سیاست‌ها و اقدامات دولت ترامپ در قبال پاکستان را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

۳. روش تحقیق

روش پژوهش حاضر، با توجه به ماهیت نظری آن، توصیفی - تحلیلی است. برای گردآوری داده‌های تحقیق از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است. در این چارچوب، مراجعه به کتب داخلی و خارجی، بررسی اسناد و مدارک، نشریات تخصصی، مقالات علمی - پژوهشی و همچنین استفاده از پایگاه‌ها و وبسایت‌های معتبر اینترنتی مدنظر قرار گرفته است.

۴. چارچوب نظری: رئالیسم تهاجمی

واقع‌گرایی تهاجمی دستگاه فکری خود را براساس آموزه‌ها و مفروضه‌های واقع‌گرایی بنیان نهاده است. پیروان این مکتب ضمن این‌که در چارچوب‌های واقع‌گرایی، دولت‌ها را به عنوان بازیگران اصلی صحنه روابط بین‌الملل به رسمیت می‌شناسند، بر این باورند این قدرت‌های بزرگ هستند که سیاست بین‌الملل را شکل می‌دهند و در تأثیرگذاری بر سیستم بین‌المللی برون‌دادهای قدرت‌های بزرگ تعیین‌کننده هستند (Schweller, 1996: 97-100). از دید مرشایمر، دولت‌ها در جهانی زندگی می‌کنند که سرشار از تهدیدات است و واحدهایی هستند که تمایل دارند قدرت خود را به حداکثر برسانند تا بتوانند به بقای خود ادامه دهند؛ هدف اصلی هر دولتی آن است که سهم خود را از قدرت جهانی به حداکثر برساند، که این به معنای کسب قدرت به زبان دیگران است. از نظر وی دلیل قدرت‌طلبی دولت‌ها را باید در سه چیز جستجو کرد: ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل؛ توانمندی‌های تهاجمی که همه دولت‌ها از آن برخوردارند؛ و عدم اطمینان در مورد نیت و مقاصد دشمن (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۱۳۲-۱۳۱). واقع‌گرایان تهاجمی بر این نظرند که توانایی‌های نسبی تا حد زیادی به نیت دولت‌ها شکل می‌دهند. هنگامی که دولتی قدرتمندتر می‌شود، می‌کوشد نفوذ خود را افزایش دهد و به حداکثر برساند و محیط بین‌المللی را کنترل نماید. بنابراین، دولت‌ها در مواردی که تصمیم‌گیرندگان اصلی آن‌ها تصور کنند، توانمندی نسبی کشور بیشتر شده است، راهبردهای تهاجمی را با هدف بیشینه‌سازی قدرت و نفوذ خود دنبال خواهند کرد. بنابراین، هر اندازه که قدرت یک دولت افزایش می‌یابد، این دولت به سیاست‌های خارجی تجاوزگرایانه و توسعه‌طلبانه‌تری روی می‌آورد (Taliferro, 1999: 1). در واقع‌گرایی تهاجمی، قدرت مهمترین ابزار رسیدن به هدف و کسب جایگاه هژمون در نظام بین‌الملل است، آنان عمدتاً بر قدرت نظامی و اقتصادی تأکید می‌نمایند، چون هر چه قدرت و مزیت و برتری نظامی یک کشور بر دیگران بیشتر باشد، ضریب امنیتی آن بالاتر خواهد بود (Waltz, 1979: 123). در واقع، سیاست خارجی ایالات متحده در دوره ریاست‌جمهوری ترامپ در قبال پاکستان را می‌توان از منظر نظریه رئالیسم تهاجمی تحلیل کرد. حضور و فعالیت گسترده گروه‌های تروریستی در خاک پاکستان تأثیر قابل‌توجهی بر سیاست‌ها و منافع بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، از جمله ایالات متحده، دارد. در این زمینه، ترامپ با متهم کردن پاکستان به پناه دادن به گروه‌های تروریستی، رویکردی تهاجمی در قبال اسلام‌آباد اتخاذ کرده است. این سیاست واشنگتن می‌تواند روابط دو کشور را به سمت واگرایی سوق دهد و میزان کمک‌ها و حمایت‌های نظامی-اقتصادی آمریکا از پاکستان را کاهش دهد. علاوه بر این، تضعیف و انزوای رقبای منطقه‌ای واشنگتن در آسیای جنوبی و نگرانی‌ها درباره تضمین امنیت تأسیسات هسته‌ای پاکستان، از دیگر دلایل اتخاذ سیاست فشار و تهدید علیه اسلام‌آباد توسط دولت ترامپ محسوب می‌شوند.

شکل شماره ۱: سیاست خارجی کشورها در منطق رئالیسم تهاجمی



(منبع: نگارنده)

۵. تاریخچه روابط سیاسی آمریکا و پاکستان

روابط سیاسی دو کشور آمریکا و پاکستان در سال ۱۹۴۷ یعنی در همان آغاز تولد کشوری به نام پاکستان، به صورت رسمی شروع گردید. در اکتبر همان سال «ام. آ. اچ. اسپهانی»^۶، اولین سفیر پاکستان به آمریکا اعزام شد. در فوریه ۱۹۴۸ نیز «پال. اچ. الینگ»^۷، اولین سفیر آمریکا وارد اسلام‌آباد گردید. در سال ۱۹۵۰ سفر لیاقت علی خان، نخست وزیر پاکستان، به آمریکا صورت گرفت. وی تلاش کرد به نگرانی‌های آمریکا در مورد پاکستان پایان دهد و توجه این کشور را به سوی خود جلب کند و در مورد نفوذ کمونیست به این کشور، به آمریکایی‌ها اطمینان خاطر بخشد. مواضع آمریکا در جنگ ۱۹۶۵، هند و پاکستان و حمایت‌های این کشور از کرسی‌نشینان دهلی، باعث سردی بیشتر روابط سیاسی پاکستان و آمریکا شد و دولت‌مردان اسلام‌آباد را متقاعد ساخت که آمریکا متحد قابل اعتمادی نیست. بنابراین، بر گسترش روابط با دوست جدید خود (چین) بیش از پیش اهتمام ورزیدند، به ویژه این که چین در جنگ ۱۹۶۵ میان هند و پاکستان از مواضع پاکستان حمایت نمود (شیروودی و مهدوی، ۱۳۹۱: ۱۶۳-۱۵۸). از آنجایی که آمریکا نیز برای مهار نفوذ شوروی در منطقه به دنبال متحدی در جنوب آسیا بود، به طرف پاکستان متمایل شد. در طول دهه ۱۹۸۰، مبارزه علیه اشغال افغانستان توسط شوروی، فرصت جدیدی را فراهم نمود که دو کشور پاکستان و ایالات متحده برای بار دیگر به بهانه مبارزه با کمونیسم به هم پیوندند، طوری که در طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ همکاری‌های دو کشور بسیار گسترش یافت و پاکستان به کشور خط‌مقدم مبارزه علیه شوروی برای مهار و کنترل گسترش‌طلبی این کشور تبدیل شد. به همین منظور در طی مدت شش سال به میزان ۱/۶۲۵ میلیارد دلار کمک اقتصادی و ۱/۵ میلیارد دلار کمک نظامی از آمریکا دریافت نمود و در این مرحله اسلام‌آباد از اصلاحیه‌های

^۶ - M.i. H. Esphani

^۷ - Pal. H. Ealing

«سمینگتون»^۸ و «گلن»^۹ که کمک‌های اقتصادی و نظامی به پاکستان را به حال تعلیق در آورده بودند، رهایی یافت (محمدی و ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۴۰-۱۳۹).

در مجموع، جنگ سرد و به ویژه تجاوز شوروی به افغانستان، از عوامل مؤثر در توسعه روابط پاکستان و آمریکا بود و مواضع سیاسی دو کشور را به همدیگر نزدیک نمود. در دوران بعد از جنگ سرد، منافع استراتژیک پاکستان و آمریکا به مرور دستخوش تغییر شد و عمده تغییر و تحول بر سر دو موضوع افغانستان و هند بود. در ادامه مسأله کشته شدن بن‌لادن در عملیات نظامی آمریکا بدون اطلاع پاکستان در خاک این کشور و همین طور کشته شدن تعداد قابل توجهی از مردم و سربازان پاکستانی توسط هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا از یک سو و از سوی دیگر مسأله ایجاد انفجار در خطوط مواصلاتی نیروهای ناتو که از پاکستان می‌گذرد و گرایش آمریکا به سمت هند و برقراری رابطه با این کشور، روابط آمریکا و پاکستان را کاملاً متشنج کرد (کتابی و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۳). کارل ایندرفورت^{۱۰} همکار سابق وزارت خارجه آمریکا در آسیای جنوبی، معتقد است؛ پس از کشته شدن بن‌لادن چرخشی در روابط آمریکا با پاکستان به سود هند رخ داده است. از نظر وی، این تیرگی در آینده هند را تبدیل به شریک اول آمریکا در جنوب آسیا می‌کند (سلطانی، ۱۳۹۶: ۶). پس از آزمایش هسته‌ای هند در سال ۱۹۹۸، پاکستان نیز دست به اقدام متقابلی زد و در می ۱۹۹۸، تعداد شش آزمایش موفقیت‌آمیز اتمی در ایالت بلوچستان انجام داد. آزمایش‌های اتمی پاکستان، روابط واشنگتن - اسلام‌آباد را تحت تأثیر قرار داد، طوری که بیل کلینتون دستور داد؛ بر اساس اصلاحیه گلن در سال ۱۹۹۸، علیه پاکستان و هند تحریم‌هایی اعمال شود (برزگر و محمودی، ۱۳۹۴: ۱۲۷). حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، به طرز پیش‌بینی‌ناپذیری کانون استراتژی جهانی ایالات متحده را تغییر داد؛ چرا که اولویت استراتژیک ایالات متحده از نگرانی در مورد تهدید چین به جنگ گسترده علیه تروریسم بین‌المللی تغییر وضعیت داد. به روشنی پاکستان بوته آزمایش مبارزه ایالات متحده در جنگ با القاعده و رژیم طالبان قرار گرفت و این مسأله به اهمیت استراتژیک و ژئوپلیتیک پاکستان بر می‌گردد. از این رو، حوادث ۱۱ سپتامبر فرصت دیگری را فراهم نمود که دو کشور پاکستان و ایالات متحده پیوند مجددی را برقرار نمایند (Musharraf, 2006: 13). ادامه رفتار خصمانه آمریکا در پاکستان به ویژه حملات پهبادها، موجب بحرانی شدن روابط این دو کشور شد و وجهه آمریکا را در میان افکار عمومی مردم پاکستان تنزل داد، به طوری که ۷۴ درصد مردم پاکستان، آمریکا را به منزله دشمن اصلی خود قلمداد کردند (Pew Research Center, 2012: 1). در دوره ریاست جمهوری اوباما، انتقاداتی نسبت به حمایت پاکستان از طالبان و شبکه حقانی مطرح شد که تا حدی باعث سردی روابط میان دو کشور گردید. با این حال، در دولت ترامپ، این مسأله به نقطه کانونی سیاست آمریکا در قبال پاکستان تبدیل شد؛ به گونه‌ای که ترامپ تداوم حمایت‌ها و روابط گسترده واشنگتن با اسلام‌آباد را مشروط به تغییر این سیاست‌ها توسط اسلام‌آباد اعلام کرد.

روابط ایالات متحده و پاکستان از زمان آغاز دوره ریاست جمهوری ترامپ رو به سردی گراییده است. اگرچه دلایل مختلفی در این رابطه وجود دارد؛ اما به طور خاص از یک سو، مربوط به انتقاد شدید ترامپ از حمایت پاکستان از تروریسم است که این امر کمک‌های ایالات متحده به اسلام‌آباد را متوقف می‌کند و از سویی، روابط در حال رشد و همکاری‌های استراتژیک ایالات متحده با هند است (Al-Bayati, 2020: 164). مقامات ایالات متحده و جامعه بین‌المللی، پاکستان را مسئول حمایت از شبه نظامیان

۶- اصلاحیه سمینگتون (Sammington Amendment) در زمینه لایحه کمک‌های خارجی مصوب سال ۱۹۶۱ است که علیه کشورهای وارد کننده تکنولوژی غنی‌سازی اورانیوم اعمال می‌گردد.

۷- طبق اصلاحیه گلن (Glenn Amendment)، دولت آمریکا هر گونه درخواست وام از سوی کشورهای که در لیست تحریم‌های آمریکا قرار دارند را رد می‌کرد.

¹⁰ - Karl Inderford

می‌دانند. حتی ترامپ یک بار گفت که پاکستان به حمایت از گروه‌های شبه نظامی ادامه می‌دهد؛ این وضعیت روابط پرتنش را ملتهب کرد. ترامپ در اولین توییت خود در ژانویه ۲۰۱۸، در حمله لفظی شدیدی علیه پاکستان، این کشور را با وجود دریافت کمک خارجی ۳۳ میلیارد دلاری از آمریکا، به دروغ گوئی و فریب دادن واشنگتن متهم کرد (صباغیان و فتحی‌پور، ۱۴۰۰: ۱۱۳). وزارت دفاع پاکستان با انتقاد از توییت ترامپ، در پاسخ گفت: «ایالات متحده هیچ چیز جزء «پر خاش و بی‌اعتمادی» به ما نداده است» (Manchester, 2018:2). پس از واکنش مقامات پاکستان، ترامپ در تاریخ ۱ ژانویه ۲۰۱۹، با یک توییت هشدار دهنده تقریباً تمام روابط خود را با اسلام‌آباد قطع کرد و خاطر نشان کرد: «دیگر کافی است؛ واشنگتن نیاز به بازنگری در سیاست خود در قبال آسیای جنوبی دارد». پیش از این، پرزیدنت ترامپ در آگوست ۲۰۱۷ سیاست دولت خود در قبال جنوب آسیا را ارائه داد و اذعان داشت: «پاکستان برای کنترل شبه نظامیان، باید اقدامات بیشتری انجام دهد» (Cohen, 2016: 234). واشنگتن بعد از توییت ترامپ مبلغ 1.3 میلیارد دلار کمک امنیتی ایالات متحده به پاکستان را قطع کرد (Afzal, 2020: 3). بعد از این اقدام دولت آمریکا، FATF نیز پاکستان را در لیست سیاه قرار داد و این کشور را نیز تحت فشار مالی قرار داد (Yusuf, 2017: 49).

در سفر عمران خان به واشنگتن در ژوئیه ۲۰۱۹، هنگامی که او و ترامپ برای اولین بار با یکدیگر دیدار و گفت‌وگو کردند؛ بهبود روابط واشنگتن-اسلام‌آباد به طور رسمی مورد تأکید قرار گرفت. ترامپ و عمران خان این ملاقات را مفید دانستند و از آن زمان ارتباط شخصی خود را حفظ و توسعه داده‌اند. آن‌ها بار دیگر در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سپتامبر ۲۰۱۹ و در مجمع جهانی اقتصاد در اوایل سال ۲۰۲۰ ملاقات کردند. ترامپ در اولین ملاقات خود با خان در کاخ سفید، پیشنهاد داد که میان هند و پاکستان بر سر مسأله کشمیر میانجیگری کند. اما هند بلافاصله زنگ‌های هشدار را به صدا درآورد و پاسخ داد که کشمیر یک مسأله دوجانبه بین هند و پاکستان است. ترامپ همچنین خواستار تقویت چشمگیر روابط تجاری بین پاکستان و ایالات متحده شد. آمریکا بهترین مقصد صادراتی پاکستان است؛ اما این دستاوردهای تجاری هنوز محقق نشده است (Afzal, 2020: 3). تجارت ایالات متحده و پاکستان در سال ۲۰۱۹ معادل ۶,۵ میلیارد دلار بود که ۱,۳ میلیارد دلار برای آمریکا سود متوسط داشته است. طی دو دهه گذشته، ایالات متحده یکی از سرمایه‌گذاران بزرگ در پاکستان بوده است. سرمایه‌گذاری‌های عمده ایالات متحده در کالاهای مصرفی، مواد شیمیایی، انرژی، کشاورزی، برون‌سپاری فرایندهای کسب و کار، حمل و نقل و ارتباطات متمرکز شده است. ترامپ در دیدار ژوئیه ۲۰۱۹ خود با عمران خان خواستار گسترش چشمگیر روابط تجاری ایالات متحده و پاکستان شد. از آن زمان دولت ایالات متحده تلاش کرده است تا این نگرش را از طریق همکاری اقتصادی دو جانبه، عملیاتی کند. در فوریه سال ۲۰۲۰، ویلیور راس ۱۱، وزیر بازرگانی ایالات متحده در رأس هیأتی بلندپایه با مقامات ارشد پاکستان در اسلام‌آباد دیدار و در مورد چگونگی تعمیق روابط تجاری و سرمایه‌گذاری میان دو کشور گفت‌وگو کرد. در ژوئیه سال ۲۰۲۰، آدام بوهرلر ۱۲، مدیر ارشد اجرایی شرکت بین‌المللی توسعه مالی ایالات متحده، نیز جهت بحث و گفت‌وگو در مورد تقویت سرمایه‌گذاری‌ها برای پروژه‌های عمرانی سفری مشابه به اسلام‌آباد انجام داد (Al-Bayati, 2020: 164).

روابط ایالات متحده و پاکستان در فضای ژئواستراتژیک کنونی با چالش‌های بسیاری مواجه شده است. نخست؛ تغییر تدریجی در اهداف آمریکا و پاکستان در افغانستان و دور شدن این اهداف از همدیگر؛ دوم، حمایت پاکستان از طالبان افغانستان؛ سوم، همکاری‌های دفاعی فزاینده پاکستان با چین از جمله پروژه کلان «کریدور اقتصادی چین-پاکستان»؛ و چهارم، سیاست ایالات متحده مبنی بر تقویت روابط استراتژیک با هند در بلندمدت (Kaura & Era, 2017: 112). آینده روابط پاکستان و

¹¹. Wilbur Ross

¹². Adam Buhler

ایالات متحده بسیار مبهم و غبار آلود است. بسیاری از صاحبان نظر عقیده دارند که روابط اسلام آباد و واشنگتن به روند موفقیت-آمیز صلح افغانستان بستگی دارد. به گفته بسیاری از کارشناسان اگر تلاش‌های صلح و سازش اسلام آباد و واشنگتن در افغانستان به خوبی پیش رود و به نوعی آن‌ها به یک سیاست منطقی دست یابند، این امر می‌تواند روابط دو کشور را حسنه کند (Mirza and others, 2020: 14). در ارزیابی اعجاز حیدر، تحلیل‌گر پاکستانی، پاکستان باید انتظارات خود را با توجه به روابط سرد خود با ایالات متحده کاهش دهد؛ ولی تغییر گسترده‌ای در سیاست پاکستان در قبال واشنگتن اتفاق نخواهد افتاد. هیچ همکاری نزدیکتر دفاعی، یا موارد راهبردی دیگر در دستور کار نیست. با این وجود، هنوز فضا برای بهبود روابط در زمینه‌های دیگر از جمله؛ تجارت، سرمایه‌گذاری، بهداشت، آموزش، توسعه زیرساخت‌ها فراهم است (Haider, 2020:3). بنابراین با حضور ترامپ در کاخ سفید؛ آمریکا رویکرد سخت‌گیرانه‌تری در روابط خود با اسلام‌آباد در پیش گرفته است. به همین جهت شاهد محدودیت-های نظامی-اقتصادی ایالات متحده در قبال پاکستان هستیم که این امر تأثیر به‌سزایی بر واگرایی و تیرگی روابط میان واشنگتن و اسلام‌آباد خواهد داشت. این واگرایی می‌تواند منافع مشترکی بین ایران و پاکستان در سطح منطقه و به‌ویژه افغانستان ایجاد کند و فضا را برای توسعه هر چه بیشتر مناسبات تهران-اسلام‌آباد فراهم کند. اما نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، این است که پاکستان در تاریخ روابط خود به‌ویژه با قدرت‌های بزرگ نشان داده که چندان رفتار پایداری نداشته است و به محض وجود شرایط مناسب دوباره چرخش به سوی دیگر قدرت‌ها داشته است. از این‌رو، ممکن است در آینده روابط این کشور با آمریکا، این فرضیه عملی شود که با چرخش مثبت در سیاست خارجی آمریکا، اسلام‌آباد مجدداً دست دوستی به‌سوی آمریکا دراز کند.

۶. نگرانی ایالات متحده آمریکا از توسعه تأسیسات هسته‌ای پاکستان

تلاش پاکستان برای دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای نیز با مشارکت در طرح آمریکایی اتم برای صلح آغاز گردید. پاکستان در سال ۱۹۵۵، کمیته انرژی اتمی با عضویت ۱۲ نفره تشکیل داد که به حکومت برای کسب صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای و انعقاد توافق همکاری هسته‌ای با آمریکا توصیه نمود (Chanysh, 2009: 1). آمریکا در سال ۱۹۶۰، با هدف گسترش روابط دوجانبه، حدود ۳۵۰ هزار دلار به پاکستان، جهت آماده‌سازی اولین راکتور تحقیقاتی این کشور ارسال نمود (Sublette, 2002: 13). در آوریل ۱۹۹۴، وزارت امور خارجه آمریکا به‌کنگره گزارش داد که پاکستان می‌تواند تعداد محدودی از سلاح‌های هسته‌ای را در کوتاه‌مدت کسب نماید و در ژوئن ۱۹۹۵، آمریکا به شواهدی دال بر برخورداری پاکستان از حدود ۵۰ موشک کامل دست یافت، اما کلینتون به منظور اجتناب از تحریم آن را نادیده گرفت و در سال ۱۹۹۶، بدون توجه به هسته‌ای شدن پاکستان، آمریکا ۳۶۸ میلیون دلار در چارچوب قانون براون ۱۳ به پاکستان کمک کرد (Singh, 1998: 168). پاکستان از محدود کشورهایی است که اقدام به اشاعه تکنولوژی هسته‌ای نیز می‌کند. در ژوئیه ۲۰۰۱، آژانس‌های اطلاعاتی آمریکا، یک محموله هواپیمای پاکستان به کره شمالی را دنبال کردند که یک کلاهک را بار گرفته بود. همچنین، تحقیقات آمریکا در فوریه ۲۰۰۴، نشان داد عبدالقدیر خان و حداقل ۷ سازمان دیگر، تکنولوژی هسته‌ای و صنعت غنی‌سازی اورانیوم را به کشورهای دیگر مانند کره شمالی، ایران و لیبی انتقال داده‌اند (سجادپور و کریمی‌قهرودی، ۱۳۹۰: ۲۴۳-۲۴۴). پاکستان به عنوان تنها کشور اسلامی شناخته می‌شود که اکثریت جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند و دارای سلاح‌های هسته‌ای است. وزارت امور خارجه پاکستان، برنامه هسته‌ای این کشور را به "یک ساعت دقیق" تشبیه کرد. برنامه هسته‌ای همچنین از سوی مردم این کشور حمایت می‌شود. آزمایشات هسته‌ای سال ۱۹۹۸ که کوه‌ها را به لرزه درآورد با جشن‌های خیابانی همراه بود (Tierney, 2018: 5). نگرانی از گسترش تسلیحات هسته‌ای پاکستان به دنبال توان هند در آزمایشات هسته‌ای سال ۱۹۷۴ که خود پاسخی به آزمایشات هسته‌ای چین بود، پدیدار شد (Cronin & others, 2005: 6).

با توجه به فضای بین‌المللی متأثر از حملات ۱۱ سپتامبر و به خصوص پس از انتشار خبر ملاقات اسامه بن لادن ۱۴ و ایمن الظواہری ۱۵ در ۱۵ اگوست ۲۰۰۱، با دانشمندان هسته‌ای پاکستان، نگرانی در خصوص امنیت زرادخانه هسته‌ای این کشور شدت گرفت (Albright, 2002: 16). در سال ۱۹۹۸، بن‌لادن اعلام کرد: «مسلمانان وظیفه دارند تسلیحات کشتار جمعی را کسب نمایند». القاعده در مه ۲۰۰۳، یک فتوا از ناصر الفهدی ۱۶، مفتی عربستان، کسب کرد که استفاده از تسلیحات هسته‌ای را توجیه می‌کرد (Larssen, 2008: 29). در این زمینه، بسیاری از تحلیلگران، نگران ناتوانی دولت پاکستان در کنترل تسلیحات هسته‌ای این کشور، در پی بی‌ثباتی سیاسی مداوم در این کشور هستند و از این می‌ترسند که با روی کار آمدن یک دولت افراطی در پاکستان، آن‌ها به این تسلیحات دسترسی پیدا کنند (Kerr & Nikitin, 2012: 16). در همین ارتباط، پرویز هودی ۱۷، صاحب نظر پاکستانی، اعلام کرد که نگران دستیابی شبکه‌های جهادی به تأسیسات هسته‌ای، جهت اجرای اهداف سیاسی‌شان است. او غفلت مقامات پاکستانی در خصوص تضمین امنیت تأسیسات هسته‌ای را متذکر شد (Hoodboy, 2013: 17). با شروع توسعه سیاست‌های دولت ترامپ نسبت به پاکستان و تمرکز آمریکا بر عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای، این کشور باید پاکستان را در اولویت اصلی قرار دهد. مردم پاکستان با بالاترین سطح آگاهی از برنامه هسته‌ای این کشور یکی از نگران‌ترین ملت‌ها هستند. در ۱۶ دسامبر ۲۰۱۴، طالبان در جریان یک حمله مرگ‌بار، یک مدرسه ارتش در شهر پیشاور در پاکستان را هدف قرار داد. در پی این حمله، کمیسیون انرژی اتمی پاکستان، نامه‌ای فوری به مدیر کل بخش برنامه‌های استراتژیک که مسئولیت تأمین دارایی‌های هسته‌ای پاکستان را به عهده دارد، ارسال کرد. کمیسیون انرژی اتمی درخواست کرد که ارتش منابع بیشتری را برای تضمین نظارت بر کارکنان مطلع از برنامه هسته‌ای اختصاص دهد. این نامه، که تا به حال مخفی نگه داشته شده بود، شدت نگرانی برخی مقامات پاکستانی و بقیه مردم جهان را آشکار می‌سازد (Nabil, 2017: 4). گراهام آلیسون ۱۸، کارشناس سلاح‌های هسته‌ای، معتقد است که سه تهدید عمده در ارتباط با برنامه نظامی هسته‌ای پاکستان وجود دارد: ۱- تروریست‌ها سلاح هسته‌ای را سرقت کرده و آن را علیه بمبئی یا نیویورک در یک ۱۱ سپتامبر هسته‌ای به کار ببرند؛ ۲- انتقال سلاح هسته‌ای به سایر کشورها؛ ۳- به دست آوردن سلاح‌های هسته‌ای توسط گروه‌های شبه‌نظامی در زمان بی‌ثباتی یا فروپاشی نظام سیاسی کشور (Goldberg & Ambinder, 2011: 19). آمریکایی‌ها با بیان این که پاکستان توانسته امنیت زرادخانه‌های هسته‌ای خود را برقرار نماید، لذا این کشور سیاست هویج و چماق را در قبال پاکستان در پیش گرفت. از یک طرف بر پاکستان فشار وارد کرد تا با سرکوب و نابودی تروریست‌ها امنیت را تأمین نماید و از طرف دیگر بر امنیت زرادخانه‌های هسته‌ای صحنه گذاشت (شفیعی و کریمی، ۱۳۹۱: ۱۱۸).

در اوایل سال ۲۰۱۴، وزارت کشور پاکستان یک سند طبقه‌بندی شده سیاست‌گذاری به نام "سیاست امنیت ملی بین سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۸" را که اولویت‌های امنیتی دولت را تشریح می‌کرد، منتشر نمود. این سند هشدار می‌دهد که پاکستان پذیرای صدها گروه تروریست و افراطی است و اشاره می‌کند که بسیاری از آن‌ها در چهار استان پاکستان، از جمله در مناطق پنجاب در نزدیکی برخی از تأسیسات هسته‌ای پاکستان در حال فعالیت هستند. این سند همچنین نگرانی‌هایی را در مورد نفوذ رو به‌رشد گروه‌های تروریستی خاص، به ویژه لشکر طیبه در داخل ارتش پاکستان و سازمان‌های اطلاعاتی، و در درون خانواده‌های افسران ارشد و رده میانی ارتش مطرح می‌کند (Nabil, 2017: 5). دان کوتس ۱۹، رئیس اداره اطلاعات ملی ایالات متحده

¹⁴ - Osama bin Laden

¹⁵ - Ayman al-Zawahiri

¹⁶ - Nasir al-Fahd

¹⁷ - Pervaiz Hoodboy

¹⁸ - Graham Alison

¹⁹ - Don cats

آمریکا، در جریان یک جلسه مهم در ۶ اگوست ۲۰۱۸، با رهبران اطلاعات آمریکا با حضور کمیته اطلاعات سنا گفت: «که پاکستان در حال گسترش زرادخانه تسلیحات هسته‌ای تاکتیکی با بُرد کوتاه و موشک‌های کروز که از هواپیما و کشتی شلیک می‌شوند و نیز موشک‌های بالستیک دور بُرد می‌باشد (که این می‌تواند به امنیت منطقه‌ای لطمه بزند)». تصور می‌شود پاکستان از لحاظ سلاح‌های هسته‌ای به طور میانگین دارای یک زرادخانه با ۱۶۰ کلاهک باشد. این زرادخانه به طور کامل شامل موشک‌های تاکتیکی و میان‌بُرد می‌شود، زیرا پاکستان یک قدرت جهانی نیست و نیاز واقعی به موشک‌های بالستیک بین قاره‌ای ندارد. کوتس گفت: «پاکستان با توسعه قابلیت‌های جدید سلاح‌های هسته‌ای، حفظ روابط خود با گروه‌های شبه‌نظامی، محدود کردن همکاری‌های ضد تروریسم و نزدیک شدن به چین همچنان به تهدید منافع آمریکا ادامه خواهد داد». وی افزود: «گسترش برنامه هسته‌ای پاکستان می‌تواند روابط این کشور را با همسایه هسته‌ای و رقیب خود، هند وخیم‌تر نماید». اگر چه دو کشور از سال ۱۹۴۷ که از یکدیگر جدا شده‌اند، با هم اختلافاتی دارند، اما اخیراً روابط بین دو کشور تیره شده است، زیرا هر دو طرف با حمله به مواضع یکدیگر در مرز مورد اختلاف در جامو و کشمیر آتش‌بس را به طور مکرر نقض می‌کنند (Sputniknews, 2018: 4).

در سال ۲۰۱۶، بولتن دانشمندان اتمی تخمین زد که پاکستان دارای ۱۳۰ تا ۱۴۰ کلاهک هسته‌ای می‌باشد و پیش‌بینی کرد که تا سال ۲۰۲۵ این کشور زرادخانه خود را دو برابر خواهد کرد. اسلام‌آباد می‌تواند از موشک‌های بالستیک میان‌بُرد، موشک‌های کروز، جنگنده‌های F-16 و سیستم‌های تاکتیکی کوتاه‌بُرد در میدان جنگ استفاده نماید (Tierney, 2018: 7). علی‌رغم همه این نگرانی‌ها، مقامات پاکستانی همچنان به طور علنی اصرار دارند که تاسیسات هسته‌ای آن‌ها امن و بی‌خطر است. یک مقام ارشد به مجله آتلانتیک در سال ۲۰۱۱ گفت: «مسأله‌ای که در میان تمام مسائل نگران‌کننده برای جهان جای کمترین نگرانی را دارد؛ ایمنی برنامه هسته‌ای ما است». زمانی که مقامات پاکستانی برای شرکت در اجلاس امنیت هسته‌ای (۳۱ مارس تا ۱ آوریل ۲۰۱۶) به واشنگتن آمدند، به طور کلی تعهد کشور پاکستان به امنیت هسته‌ای در برابر "تمامی تهدیدها" را مورد تأکید قرار دادند و به طور خاص خطر تروریسم یا این واقعیت که پاکستان یک تهدید خاص است، را تکذیب کردند. ارتش پاکستان و جامعه اطلاعاتی به جای درخواست کمک برای مقابله با این آسیب‌پذیری‌ها، چشم خود را بر روی حقایق و واقعیت‌ها می‌بندند. آن‌ها می‌ترسند که آمریکا تلاش نماید سلاح‌های هسته‌ای آن‌ها را توقیف کند و می‌گویند که غرب اجازه دسترسی به قدرتمندترین سلاح‌های جهان را به یک کشور مسلمان نمی‌دهد. این جمله‌ای است که اغلب از سوی افراط‌گرایان تکرار می‌شود (Nabil, 2017: 6). در نهایت این که برخورداری پاکستان از سلاح هسته‌ای و احتمال دسترسی تروریست‌ها به زرادخانه‌های هسته‌ای این کشور، یکی از اصلی‌ترین نگرانی‌های آمریکایی‌هاست. این توانایی پاکستان، یکی از دلایلی است که باعث شده آمریکایی‌ها، پاکستان را به بهانه عدم برخورد جدی با تروریست‌ها تحت فشار قرار دهند.

۷. سیاست‌ها و اقدامات دولت ترامپ در قبال پاکستان

رویکرد ترامپ در قبال پاکستان از خصومت آشکار تا تمایل وی برای حفظ ارتباط با اسلام‌آباد در نوسان است. علیرغم این دوگانگی، به نظر می‌رسد که دولت ترامپ یک سیاست هند محور را در قبال آسیای جنوبی دنبال می‌کند که در آن اهداف اصلی مبارزه با تروریسم، ارتقاء صلح و توسعه در منطقه، برخورداری هند از ثبات استراتژیک و احترام به افغانستان نهفته است (Hassan & Hussain Bukhari, 2020: 120). دونالد ترامپ در مارس ۲۰۱۶ گفت پاکستان کشوری حیاتی برای ایالات متحده است؛ زیرا دارای سلاح هسته‌ای است. وی همچنین در ماه می به فاکس‌نیوز گفت: «در نظر دارد نزدیک به ده هزار سرباز آمریکایی را در افغانستان نگه دارد؛ زیرا این کشور همسایه و درست در کنار پاکستان است که دارای سلاح

هسته‌ای است» (Hashim and Johnson, 2016: 3). با این حال، ترامپ با انتشار بیانیه‌های تحریک‌آمیز، پاکستان را به حمایت از تروریسم متهم کرد. این در حالی است که دولت پاکستان هرگونه حمایت از تروریسم را انکار کرده و گفته است که پاکستان خود قربانی حملات تروریستی است که منجر به کشته شدن پرسنل نظامی و غیرنظامی شد. اظهارات ترامپ سبب شد تا پاکستان به چین، خطرناک‌ترین رقیب آمریکا نزدیک شود و هنگامی که ترامپ اسلام‌آباد را به پناه دادن به تروریست‌ها متهم کرد، چین نیز از پاکستان دفاع کرده است. از طرفی، عمران‌خان هنگامی که به قدرت رسید، گفت: «اولویت من این است که پاکستان کشوری باشد که تمام تلاش خود را برای برقراری صلح به کار گیرد. با پیوستن به جنگ علیه تروریسم، پاکستان یکی از بدترین دوره‌های خود را پشت سر گذاشت. ما ۷۰,۰۰۰ نفر را در جنگ علیه تروریسم از دست دادیم، ۱۵۰ میلیارد دلار به اقتصاد ما لطمه وارد شد». وی همچنین افزود: «سرخ‌پوستان در تلاش بودند ما را در لیست سیاه «اف. ای. تی. اف.» قرار دهند تا از نظر اقتصادی ما را منزوی کنند. سپس تصمیم لغو ماده ۳۷۰ قانون اساسی هند که به کشمیر «وضعیت ویژه» می‌داد، اتفاق افتاد. به گونه‌ای که دهلی تعداد نیروها را در کشمیر افزایش داده و ۸ میلیون نفر را تحت قانون منع رفت و آمد قرار داد» (Al-Bayati, 2020: 156- 163).

ترامپ رویکرد خود در قبال پاکستان را که ترکیبی از هویج و چماق است، به روشنی بیان کرده است. کمک مالی و نظامی یکی از بهترین هویج‌ها بوده است. ایده استفاده از کمک مالی و نظامی به عنوان یک اهرم فشار مطرح بوده است. ترامپ در این رابطه گفت: «در واقع، ما اسلحه و پول در اختیار شما قرار می‌دهیم و اکنون شما باید با سخت‌گیری و فشار بیشتر بر تروریست‌ها به ما کمک کنید. وقتی ایالات متحده به این نتیجه رسید که هویج مؤثر نیست، به چماق متوسل شد، مانند؛ قطع کمک‌های امنیتی پس از آزمایش سلاح‌های هسته‌ای پاکستان و اخیراً پس از آنکه ترامپ نتیجه گرفت که پاکستان در زمینه مبارزه با تروریسم اقدامات کافی انجام نداده است. همچنین ترامپ در توییت ۲۰۱۹ خود به مناسبت سال نو بیان داشت: «اسلام‌آباد میلیارد‌ها دلار پول از ایالات متحده دریافت کرده؛ ولی نتوانسته است صلح و ثبات را در افغانستان تحقق بخشد» (Hassan & Hussain Bukhari, 2020: 121). مک‌مستر ۲۱ مشاور پیشین امنیت ملی ترامپ، در اوایل آگوست ۲۰۱۶ در دیدار با مقامات پاکستانی ضمن هشدار به پاکستان در زمینه حمایت از تروریست‌ها، اعلام کرد: «ترامپ خواستار تغییر این سیاست متناقض از سوی پاکستان است» (Trump, 2017: 11). در ۲۲ آگوست ۲۰۱۷، ترامپ پاکستان را به پناه دادن به شبه‌نظامیان متهم کرد و اذعان داشت: «اگر دولت پاکستان با بنیادگرایی گسترده برخورد نکند، عواقب بدی برای آن خواهد داشت. ایالات متحده دیگر نمی‌تواند در مورد پناهگاه‌های امن پاکستان برای گروه تروریستی طالبان که تهدیدی برای امنیت منطقه و بین‌الملل هستند، سکوت کند». در حالی که ترامپ پاکستان را به پناه دادن به شبه‌نظامیان طالبان متهم می‌کرد، واشنگتن در حال آغاز مذاکرات با طالبان بود تا آنها را متقاعد کند که در روند سیاسی حضور داشته باشند تا بتواند نیروهای آمریکایی را از افغانستان خارج کند (Chandran, 2017: 2).

هدر ناورث ۲۲، سخنگوی پیشین وزارت امور خارجه آمریکا، در ژانویه ۲۰۱۸، به خبرنگاران گفت: «تأکید می‌کنیم در شرایط فعلی و تا زمانی که دولت پاکستان اقدام جدی علیه گروه‌های تروریستی از جمله طالبان افغانستان و شبکه حقانی را انجام ندهد، کمک‌های نظامی-امنیتی به پاکستان به حالت تعلیق در می‌آید» (Shah, 2018: 5). تعلیق کمک‌های نظامی در ژانویه ۲۰۱۸، اولین اقدام ایالات متحده از زمان حملات ۱۱ سپتامبر جهت قطع کمک‌های امنیتی به پاکستان نیست؛ بلکه بر خلاف دولت‌های پیشین، معاونین ترامپ در سال جاری به دنبال قطع جریان سالانه کمک‌های نظامی هستند که این مسأله می‌تواند

20- FATF

21- McMaster

22 - Heather Nauert

پاکستان را از لحاظ بودجه دفاعی در تنگنا قرار دهد و این کشور را از سخت‌افزارهای نظامی ایالات متحده محروم نماید. مقامات کنونی و سابق به فارن پالیسی ۲۳ گفته‌اند: «کاخ سفید همچنین در حال بررسی انجام اقدامات شدیدتری از جمله ممنوعیت ویزا و سایر اقدامات تنبیهی علیه اعضای دولت پاکستان، ارتش یا سازمان اطلاعات نظامی پاکستان به اتهام اجازه دادن به شبه‌نظامیان طالبان و حقانی جهت استفاده از پناهگاه‌ها در داخل پاکستان می‌باشد». این اقدامات ترکیبی نشان‌دهنده سرزنش پاکستان و انحلال یک اتحاد نظامی راهبردی است که در طول جنگ سرد پدید آمد و پس از حملات ۱۱ سپتامبر احیاء شد (Luce, 2018: 5). ژنرال جان نیکلسون ۲۴، فرمانده نیروهای ائتلاف ناتو در افغانستان، در نوامبر ۲۰۱۸، اظهار داشت: «علی‌رغم چندین دور مذاکرات سطح بالا برای متقاعد کردن پاکستان، هیچ‌گونه تغییری در رفتار پاکستان مشاهده نشده است». وی خاطر نشان کرد: «رهبران طالبان در پاکستان به همراه مقدار قابل توجهی از پول حاصله از فروش مواد مخدر در آسایش زندگی می‌کنند» (Sirohi, 2018: 9). مقامات آمریکایی نیز از عدم موفقیت پاکستان یا عدم تمایل این کشور برای تعقیب شبکه‌های تروریستی و نابود کردن پناهگاه‌های امن شبه‌نظامیان طالبان و شبکه وابسته به گروه حقانی ناراضیتی دارند. آمریکا به صورت رسمی اعلام کرد که قطع کمک‌های نظامی به پاکستان برای اعمال فشار بر این کشور برای مبارزه با تروریسم طراحی شده است. مسأله‌ای که اگرچه ممکن است کارساز نباشد؛ از شکل صریحی از تحلیل هزینه-فایده پیروی می‌کند. رویکرد دولت ترامپ بدین شکل است که پاکستان در مقابل تاکتیک فشار از سیاست حمایت نظامی که توسط تأسیسات نظامی و سازمان‌های اطلاعاتی پیگیری می‌شود؛ عقب‌نشینی خواهد کرد. بر اساس طرح ترامپ، کمک خارجی به سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای مختلف مشروط بر این است که چنین کمک‌هایی به صورت ملموس به تأمین منافع ملی و تضمین امنیت ملی ایالات متحده آمریکا منجر شوند. ترامپ مدعی است برآیند میلیاردها دلار کمک مالی ایالات متحده به پاکستان چندان در راستای تقویت سیاست‌ها و اهداف واشنگتن نبوده است و تداوم چنین رویکردی، ضربه‌ای سنگین به منافع آمریکا وارد می‌کند. لذا سیاست فشار بر پاکستان برای تغییر رفتار در خصوص مبارزه با تروریسم، حربه‌ای واقع‌گرایانه برای همراه‌سازی پاکستان تفسیر می‌شود. ترامپ بر این باور بود که اگر هزینه‌های فراوان پاکستان «هیچ» دستاوردی برای آمریکا نداشته، بلکه هژمونی آمریکا را با حمایت از تروریسم به چالش کشیده است؛ چرا باید این کمک‌ها جریان پیدا کند (صباغیان و فتحی‌پور، ۱۴۰۰: ۱۳۳-۱۳۲). در واقع، ترامپ با نگرشی مبتنی بر رئالیسم و تمرکز بر منافع ملی، تلاش داشت از ابزار کمک‌های خارجی به عنوان اهرمی برای افزایش نفوذ و تضمین حداکثری امنیت و منافع ایالات متحده بهره‌برداری کند. بر این اساس، بازنگری در روابط واشنگتن با پاکستان و بازتعریف کمک‌های نظامی-اقتصادی به این کشور، اقدامی منطقی و آینده‌نگرانه به شمار می‌رود که با اهداف استراتژیک آمریکا در منطقه و ضرورت کنترل تهدیدهای تروریستی همسو است.

رهبران سیاسی و فرماندهان نظامی در پاکستان استدلال می‌کنند: «پاکستان از حملات تروریستی انجام شده توسط گروه‌های تروریستی مانند القاعده، طالبان و داعش رنج می‌برد. ارتش پاکستان از سال ۲۰۰۱ تاکنون ۶,۶۸۷ کشته سرباز در مبارزه با تروریست‌ها داشته است و در پاکستان ۴۶۸ حمله انتحاری انجام شده است که در این حملات ۷,۲۳۰ شهروند آن کشته شده‌اند» (Al-Bayati, 2020: 157). مقامات اسلام‌آباد اذعان دارند: «پاکستان ضمن کمک به ایالات متحده و متحدانش برای مبارزه با القاعده و طالبان، یک مسیر مهم تدارکاتی را نیز برای سربازان ناتو در افغانستان فراهم می‌کند. بیش از ۸۰ درصد نیروهای ائتلاف برای ارسال تدارکات خود به بندر کراچی پاکستان نیاز دارند. جغرافیای منطقه به طور مؤثر اجازه استفاده از هر مسیر دیگری را سلب می‌کند؛ مگر این‌که نیروهای اتحاد بخواهند برای انجام تدارکات خود به روسیه یا ایران

²³ - Faren pality

²⁴ - Gen. John Nicholson

تکیه کنند» (Riedel, 2010: 3). جنگ آمریکا در افغانستان از سال ۲۰۰۱ متغیر مهمی در روابط آمریکا با پاکستان بوده است؛ بنابراین مسأله اساسی برای ترامپ این است که پاکستان چگونه می تواند به خارج شدن آمریکا از باتلاق افغانستان و تسهیل روند صلح در این کشور کمک کند. همچنین چندین مشکل دیگر از جمله؛ روابط پاکستان با چین، به ویژه کریدور اقتصادی چین و پاکستان، برنامه سلاح های هسته ای اسلام آباد و تنش ها در جنوب آسیا... نیز وجود دارد: (Afzal, 2020: 5). بحث و گفت و گو در کاخ سفید در مورد سرعت و مقیاس اقدامات مجازاتی احتمالی علیه پاکستان نشان می دهد که برخی مقامات و افسران نظامی واشنگتن طرفدار یک خط مشی سخت در قبال پاکستان هستند. آن ها اذعان دارند: «در عوض کمک و مساعدت سالیانه آمریکا به پاکستان، سود ناچیزی عاید واشنگتن شده است. با این حال کسانی دیگر در کاخ سفید نگران از دست دادن یک کشور مسلح به هسته ای با دویست میلیون نفر جمعیت با همسایگی چین هستند» (Cloughley, 2018: 4). لذا، در صورتی که آمریکا پاکستان را رها کند یا این کشور را در تنگنا قرار دهد، احتمال می رود که اسلام آباد به سمت همکاری با رقبایی مانند چین و روسیه گرایش پیدا کند؛ امری که دسترسی واشنگتن به یک پایگاه راهبردی مهم در مبارزه با تروریسم را محدود خواهد کرد. از این رو، اگر ایالات متحده خواهان حفظ نقش کلیدی خود در منطقه و ادامه سیاست مبارزه با تروریسم در افغانستان است، نمی تواند بدون جلب حمایت و همکاری پاکستان اقدام مؤثر انجام دهد.

پاکستان پنجمین دریافت کننده کمک های ایالات متحده است؛ اگرچه این کمک ها در سال های اخیر کاهش یافته است. در آگوست ۲۰۱۷، رکس تیلرسون، وزیر خارجه وقت آمریکا، به خبرنگاران گفت: «واشنگتن کمک به پاکستان را کاهش خواهد داد و از طرفی افزایش استفاده از حملات هواپیماهای بدون سرنشین در خاک پاکستان و نقض حریم هوایی این کشور در آسیای جنوبی به عنوان متحد بزرگ غیر ناتوی ایالات متحده را بررسی خواهد کرد. قرار بود پاکستان ۷۴۲،۲ میلیون دلار کمک نظامی و غیرنظامی از ایالات متحده دریافت کند؛ اما واشنگتن ۵۰ میلیون دلار بازپرداخت مالی به پاکستان را پس گرفت. علاوه بر این، ۳۰۰ میلیون دلار که قبلاً به پاکستان پرداخت شده بود؛ به دلیل عدم مبارزه اسلام آباد علیه شبکه حقانی، نیز پس گرفته شد» (Hashim, 2017: 4). در صورت خودداری ایالات متحده از فروش قطعات جایگزین، نیروی هوایی پاکستان در کار با هواپیماهای F-16 با مشکل مواجه خواهد شد. سفارشات بالگردهای تهاجمی ایالات متحده نیز ممکن است تحت تأثیر قرار گیرد. ایالات متحده تنها منبع تسلیحاتی پاکستان محسوب نمی شود و کاهش کمک های آمریکا، هنگامی که ترامپ، پاکستان را به پناه دادن به تروریست ها متهم کرده است، اسلام آباد را به دشمنان واشنگتن مانند روسیه یا چین که پاکستان می تواند تجهیزات دفاعی خود را از آنها خریداری کند؛ نزدیک می کند (Al-Bayati, 2020: 164). عبدالباسط ۲۵، پژوهشگر مطالعات بین المللی، معتقد است که عدم ارائه منابع مالی از سوی آمریکا، می تواند توانایی پاکستان برای نوسازی تجهیزات نظامی فرسوده خود را کاهش دهد؛ زیرا اسلام آباد متکی به تکنولوژی آمریکا است. وی افزود: «در صورت عدم بهبود روابط بین دو کشور، ممکن است آمریکا دامنه حملات هواپیماهای بدون سرنشین خود در مناطق قبیله ای پاکستان را به داخل کشور از جمله جنوب غربی استان ناآرام بلوچستان گسترش دهد». با این وجود، تصمیم گیری در مورد کمک های مالی به پاکستان به احتمال زیاد در کوتاه مدت تأثیری بر تحولات منطقه نخواهد داشت. زیرا حتی در صورت حمایت کامل پاکستان از راهبرد ترامپ در افغانستان، آمریکا قادر به اعمال یک راه حل اساسی در افغانستان نخواهد بود (Kay and others, 2018: 9). در چنین فضایی به نظر می رسد؛ ترامپ در صدد است تا زمینه های لازم برای افزایش نقش دولت افغانستان برای اجرای تعهدات نظامی و امنیتی را به وجود آورد. تحقق چنین اهدافی بدون مشارکت امنیتی پاکستان امکان پذیر نخواهد بود. ادبیات تهاجمی ترامپ در برخورد با نظامیان و سرویس های امنیتی پاکستان، نمی تواند زمینه امنیت سازی فراگیر در افغانستان را به

²⁵. Abdul Basit

وجود آورد که این خود می‌تواند به هر چه پیچیده‌تر شدن اوضاع سیاسی در این کشور منجر شود و دورنمای صلح و ثبات را در افغانستان و منطقه آسیای جنوبی تیره‌وتر نماید. با این حال، بعضی از مقامات آمریکایی نسبت به چشم‌انداز موفقیت اقدامات این کشور شک و تردید دارند و معتقدند که در حال حاضر تقویت روابط آمریکا با هند، دشمن تاریخی پاکستان، احتمال دستیابی به موفقیت در اسلام‌آباد را تضعیف می‌کند (Stewart & Ali, 2017: 10).

هند که پاکستان را دولت حامی تروریسم معرفی می‌کند، بخصوص از زمان روی کار آمدن ترامپ، روابط نزدیکی را با آمریکا ترتیب داده است. این اتحاد استراتژیک همراه با منافع استراتژیک همگرا در منطقه آسیا و اقیانوس آرام، هند و آمریکا را به مشارکت استراتژیک سوق داده است (صباغیان و فتحی‌پور، ۱۴۰۰: ۱۳۳). ایالات متحده در گذشته هرگاه پاکستان به چین نزدیک شده است، به تقویت روابط خود با دهلی برای ایجاد موازنه پرداخته است. اکنون ترامپ نیز خواهان حضور فعال هند در افغانستان شده است. پاکستان در واکنش به این درخواست ترامپ، هند را بازیگری سازنده در وضعیت افغانستان نمی‌داند؛ چرا که اسلام‌آباد معتقد است؛ هند روابط بحرانی با همسایگان خود دارد و در شرق و غرب پاکستان دست به اقدامات بی‌ثبات-کننده زده است (Hashim, 2017: 9). از این‌رو، از آنجایی که ایالات متحده صداقت و جدیت پاکستان در مبارزه با تروریسم را با دیده تردید می‌نگرد؛ واشنگتن به برقراری مناسبات نزدیک با هند روی آورده است. ترامپ بارها از نقش هند در معادلات منطقه‌ای به‌عنوان قدرت بزرگ جهانی به نیکی یاد کرده است. به‌نظر می‌رسد آمریکا با بها دادن به هند به دنبال آن است که از یک‌سو، پاکستان را تحت فشار بگذارد و از سوی دیگر، به رهبران چین هشدار دهد که به شرایط آمریکا در مبادلات تجاری تن دهند. لذا از دیدگاه مقامات واشنگتن، هند می‌تواند وزنه‌ای راهبردی در برابر چین و قدرت رو به رشد این کشور محسوب شود و ضمن تأمین اهداف و منافع منطقه‌ای آمریکا، معادلات و نظم منطقه‌ای را در راستای سیاست‌های واشنگتن و تثبیت هژمونی آن در شرق آسیا حفظ نماید.

با این حال، این بدان معنا نیست که اسلام‌آباد دیگر تحت تأثیر ترامپ و دولتمردان ایالات متحده نیست. هدف اصلی دولت ترامپ در افغانستان، ضمن جلوگیری از خطر حملات گروه‌های تروریستی مسلح به شهروندان ایالات متحده و از بین بردن خطر تکرار حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، پایان بخشیدن به درگیری‌ها و دستیابی به عقب‌نشینی پیروزمندانه نیروهای آمریکایی و ناتو از افغانستان است (Zamarayeva, 2019: 4). ایالات متحده بدون داشتن یک ارتباط خوب با پاکستان نمی‌تواند به چنین هدفی برسد؛ اما سیاست ترامپ در متهم کردن پاکستان به پناه دادن به رهبران طالبان افغانستان دستیابی به این هدف را دشوارتر می‌کند. تنها می‌توان امیدوار بود که نامه آشتی جویانه دسامبر ۲۰۱۸ ترامپ به عمران خان با درخواست حمایت وی در سازماندهی گفتگوها با طالبان افغانستان، ممکن است اوضاع را تغییر دهد (Kaura, 2017: 26). این در حالی است که هدف حمایت پاکستان از طالبان به‌طور مستقیم بی‌ثبات کردن افغانستان است؛ چرا که اسلام‌آباد نگران است یک افغانستان باثبات با هند، همکاری استراتژیک برقرار کند. بسیاری از سیاست‌گذاران پاکستانی، نفوذ و سلطه هند بر افغانستان را تهدیدی بالقوه برای امنیت ملی خود می‌دانند. این ارزیابی بدبینانه که نگرش محوری و راهبردی اسلام‌آباد را شکل می‌دهد؛ موجب شده تا بی‌ثبات‌سازی افغانستان و حمایت از گروه‌های شورشی به‌عنوان ابزارهای پیشبرد اهداف امنیتی و ژئوپلیتیکی پاکستان دنبال شود.

در حال حاضر، مذاکرات با طالبان افغانستان محور اصلی سیاست خارجی پاکستان و آمریکا است و در این میان نقش پاکستان در روند صلح افغانستان که توسط آمریکایی‌ها تحت فشار قرار گرفته است، بسیار مؤثر و تعیین‌کننده است. از این‌رو، کاهش فشار واشنگتن بر پاکستان «فرصتی استراتژیک» به پاکستان داده است تا اهداف اصلی سیاست خارجی خود مانند مسأله کشمیر، کریدور اقتصادی پاکستان-چین و روابط خود با هند و ایران را با اطمینان و آزادی عمل بیشتری دنبال کند. در

یک سناریوی پس از خروج آمریکا از افغانستان، روابط واشنگتن به دلیل برنامه سلاح هسته‌ای پاکستان و همکاری استراتژیک اسلام‌آباد با چین، به احتمال زیاد با اسلام‌آباد خصمانه خواهد شد. هند هنگامی که می‌خواهد علیه بیش از ۴۰۰۰ مظنون مرتبط با سازمان‌های شبه نظامی مانند جیش محمد، لشکر طیبه یا بنیاد فلاح انسانیت اقدام کند، همچنان فشارهای خود را بر پاکستان افزایش می‌دهد (Siddiq, 2011: 153). ترامپ شروطی را برای حمایت آمریکا از پاکستان تعیین کرده است. وی از نفوذ واشنگتن در صندوق بین‌المللی پول استفاده کرده است تا اسلام‌آباد بتواند بسته مالی این صندوق را دریافت کند. این کشور همچنین از تحریم‌های گروه ویژه اقدام مالی موسوم به «اف. ای. تی. اف» به عنوان اهرم اصلی خود برای تغییر رفتار استراتژیک اسلام‌آباد استفاده کرده است. قطع بودجه حمایت از نیروهای ائتلاف و جلوگیری از تأمین اسلحه نمونه‌های اصلی آن است. در این میان، ابزار «اف. ای. تی. اف» یکی دیگر از ابزارهای دیپلماتیک واشنگتن برای تحت فشار قرار دادن پاکستان از طریق تحریم معاملات اقتصادی مختلف بوده است (Hassan & Hussain Bukhari, 2020: 120) تا از این طریق ضمن تغییر الگوی رفتاری پاکستان در قبال افغانستان، از افتادن اسلام‌آباد در مدار رقابت منطقه‌ای واشنگتن و متحدان آن در جنوب آسیا ممانعت ورزد. در سفر ۲۳ ژوئیه ۲۰۱۹ عمران خان به واشنگتن، ترامپ با وی گفتگوی مستقیم داشت. ترامپ به عنوان یک سیاستمدار تاجر پیشه، می‌داند که برای پیشرفت و رونق اقتصادی، امنیت منطقه‌ای یک شرط اساسی است. بنابراین، هدف از این نشست بهبود روابط و تعارضات بود به گونه‌ای که مسأله طالبان افغانستان حل شود. عمران خان اظهارات خود در مورد صحبت با ترامپ در مؤسسه صلح ایالات متحده را یکی از «خوشایندترین شگفتی‌ها» خواند. در این نشست، عمران خان با بر شمردن قربانی‌های بی‌شمار در عملیات ضد تروریسم، نقش پاکستان را در کمک به ایالات متحده و در عین حال ایجاد امنیت در منطقه مؤثر دانست. ترامپ همچنین با خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان تمایل ایالات متحده برای عدم دخالت در امور جهانی را نشان داد. ترامپ گفت: «پاکستان از طریق مذاکرات سیاسی به ایالات متحده کمک می‌کند تا نیروهای خود را از افغانستان خارج کند». وی در ادامه افزود: «ما می‌توانیم ظرف ۱۰ روز مبارزه علیه طالبان پیروز شویم؛ ام، نمی‌خواهیم میلیون‌ها انسان بی‌گناه در این جنگ کشته شود». از این‌رو، ترامپ از عمران خان انتظار دارد که وی نقش خود را برای تحت فشار قرار دادن طالبان برای رسیدن به یک توافق صلح با دولت افغانستان بازی کند (Northam, 2019: 3). در این راستا می‌توان گفت؛ در حالی که ترامپ آشکارا از نقش پاکستان در بی‌ثباتی افغانستان انتقاد می‌کند؛ پاکستان در کنار روسیه، از طالبان به عنوان سدی محکم در برابر تجاوز داعش در افغانستان حمایت می‌کند. همچنین از آنجا که سیاست‌گذاران ایالات متحده به دنبال شکل‌دهی به مسیر و معادلات سیاسی افغانستان در آینده به صورت انحصاری هستند؛ تحکیم همکاری اسلام‌آباد-مسکو چالش بزرگی برای واشنگتن محسوب می‌شود. بر این اساس، چنانچه فشارها از سوی ایالات متحده بر پاکستان افزایش یابد؛ شاهد افزایش نزدیکی‌های هر چه بیشتر پاکستان به روسیه و چین خواهیم بود.

هم‌اکنون ایالات متحده رقابت عمده قدرت را نگرانی اصلی خود می‌داند. این کشور استراتژی هند-پاسیفیک را برای پیگیری منافع خود در آسیا در پیش گرفته است. ایالات متحده احتمالاً در چارچوب استراتژی جهانی خود با پاکستان کار خواهد کرد. واشنگتن با تلاش برای نفوذ خود در پاکستان از طریق سه راه به دنبال تأمین این اهداف خود است: الف) - کمک‌های دوجانبه نظامی و اقتصادی؛ استفاده از مجامع چند جانبه مانند؛ صندوق بین‌المللی پول و FATF برای حفظ فشار بر پاکستان و استفاده از "دفتر خوب" متحدان عرب نزدیک به خود مانند عربستان سعودی و امارات برای اعمال نفوذ در پاکستان. پاکستان اکنون کاملاً باتجربه شده و به این بازی آمریکایی "مارها و نردبان‌ها" عادت کرده است، بنابراین می‌داند؛ چگونه با ایالات متحده ماهرانه رفتار کند؛ بدون این که منافع اصلی خود را از دست دهد (Taliaferro, 2001: 143). در حال حاضر ایالات

متحدۀ طولانی‌ترین نبرد تاریخی خود را در افغانستان می‌گذرانند. پنج سال گذشته برای پاکستان بسیار دردسرساز بوده است. «إف. ای. تی. إف» در سال ۲۰۱۲ برای اولین بار پاکستان را در لیست خاکستری خود قرار داد؛ اما هشت سال پیش اسلام‌آباد تعهد سیاسی داد و موقعیتش ارتقاء یافت؛ اما دوباره «إف. ای. تی. إف» پاکستان را در سال ۲۰۱۸ در لیست مراقبتی خود قرار داد. از ژوئن ۲۰۱۸، پاکستان تحت فشار کشورهای عضو دائمی «إف. ای. تی. إف» و ایالات متحدۀ قرار گرفته است. با این حال، پاکستان تحت فشار «إف. ای. تی. إف» نقش اصلی را در اخراج طالبان از افغانستان بازی کرد؛ اما با گذشت زمان، پاکستان و ایالات متحدۀ اختلافات زیادی در مورد اهداف نهایی در افغانستان پیدا کردند. دلیل اصلی اختلاف بین اسلام‌آباد و واشنگتن، افزایش نقش هند در افغانستان است. اما پاکستان ادعا می‌کند که ایالات متحدۀ، اهرم‌های فشاری را در اختیار هند قرار می‌دهد تا نقش این کشور در امور داخلی افغانستان را افزایش دهد. علاوه بر این، پاکستان همچنین تأکید دارد که با تقسیم قدرت با دولت افغانستان، جمعیت پشتون نیز باید از منابع قدرت برخوردار شود. در حال حاضر، سیاست پاکستان در افغانستان بیش از این که با ایالات متحدۀ هماهنگ باشد؛ عمدتاً با روسیه، چین و ایران همسو است. پاکستان نقش راهبردی را برای حل و فصل نهایی بحران افغانستان بازی می‌کند. با این حال، اگر پاکستان نتوانست طالبان افغانستان را در یافتن راه‌حل نهایی درگیری افغانستان ترغیب کند؛ چنین وضعیتی پیامدهای منفی برای امنیت پاکستان خواهد داشت. علاوه بر این، اهداف اصلی سیاست خارجی پاکستان در افغانستان، تأمین امنیت این کشور و به حداقل رساندن نقش هند است (Hassan & Hussain Bukhari, 2020: 121). سیاست خارجی ترامپ در حمایت نامحدود از هند، اتهام پاکستان به حمایت از تروریسم و قطع کمک‌های آمریکا می‌تواند پاکستان را به دشمنان آمریکایی، به ویژه چین نزدیک کند. از دست دادن متحدان مسلمان قدرتمندی مانند ترکیه و پاکستان پیامد مثبتی برای واشنگتن نخواهد داشت و به احتمال زیاد می‌تواند منافع بلند مدت آمریکا در منطقه را با چالش جدی مواجه کند (Al-Bayati, 2020: 164). در هر حال، آمریکا از نقش کلیدی پاکستان در تحولات منطقه به ویژه ادامه جنگ و یا احیاء روند صلح در افغانستان به خوبی آگاه است. ضمن آنکه تاریخ روابط دو کشور نشان داده است که در دوران افول و تنش در روابط دو کشور، پاکستان گرایش بیشتری به اردوگاه قدرت‌های رقیب به‌ویژه چین و روسیه داشته است. به‌نظر می‌رسد دولت ترامپ با آگاهی از نقش استراتژیک پاکستان در منطقه، در تلاش است تا ضمن حفظ و تداوم روابط نسبی با اسلام‌آباد، با افزایش فشارهای همه‌جانبه بین‌المللی بر پاکستان، این کشور را مجاب کند که از نقش تخریبی خود در حمایت از طالبان و بی‌ثباتی افغانستان دست بردارد.

در نهایت باید گفت؛ ترامپ در رویکرد خود نسبت به پاکستان تأکید دارد که در استراتژی جدید خود بر اسلام‌آباد فشار بیشتری وارد خواهد کرد و از ژنرال‌های پاکستانی خواست در مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی، همکاری جدی و صادقانه داشته باشند. این همان چیزی است که مقامات کابل را امیدوار ساخته و آنان بی‌صبرانه گوش به فرمان ترامپ نشسته‌اند؛ اما مشکل اینجاست که اگر استراتژی دولت ترامپ بر مبنای فشار بر پاکستان هم شکل گرفته باشد، ناشی از نگاه سوداگرانه و منفعت‌محور ترامپ به سیاست خارجی و معطوف به کاهش هزینه‌های آمریکا در جنگ با تروریسم است؛ نه آن چیزی که از نیاز افغانستان به ثبات و امنیت برآمده باشد. نکته جالب توجه آن است که داعش بعد از شکست نظامی و عملیاتی در سوریه و عراق، بخشی از پایگاه‌های خود را به افغانستان منتقل کرده است. نقشیابی داعش در افغانستان نشان می‌دهد که بحران امنیتی فراروی آمریکا در آسیای جنوبی در حال افزایش است. واقعیت آن است که سیاست‌های تهاجمی ترامپ تاکنون نتوانسته امنیت بیشتری را در سوریه، عراق و افغانستان ایجاد کند. سیاست تهدید ترامپ علیه دولت و سرویس‌های اطلاعاتی پاکستان، مشکلات امنیتی افغانستان را نیز افزایش داده است.

۸. مخالفت آمریکا با خط لوله صلح و محروم شدن پاکستان از گاز صادراتی ایران

پس از آن که ایران در سال ۱۹۸۸، ذخایر مهمی از گاز طبیعی را در حوزه‌های پارس جنوبی کشف کرد، تلاش گسترده‌ای را برای صدور گاز خود صورت داد. یکی از مناطقی که می‌توانست بازار مناسبی برای گاز ایران باشد، جنوب آسیا بود. جایی که مصرف انرژی بالا، ولی ذخایر و تولید انرژی پایین است. ذخایر سرشار گاز ایران می‌تواند نیازهای گازی هند و پاکستان را در سال‌های آینده تأمین کند. میدان گازی پارس جنوبی که یکی از بزرگترین میداین گازی جهان است و در مرکز خلیج فارس واقع شده از نظر جغرافیایی نزدیک‌ترین میدان گازی قابل توجه به شبه‌قاره هند است (موسوی شغائی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۶۲). خط لوله ایران به پاکستان، نخستین پروژه تأمین نیاز انرژی پاکستان در بخش خط لوله گاز است که با راه‌اندازی آن، موقعیت راهبردی پاکستان به‌عنوان یک کشور گذرگاهی در تجارت انرژی جهانی بهبود خواهد یافت. تعهد پاکستان در قبال حفظ امنیت لوله‌های عبوری از آن، می‌تواند سبب افزایش منزلت ژئوپلیتیک و بین‌المللی این کشور شود. یکی دیگر از منافع اقتصادی خط لوله انتقال انرژی برای پاکستان، بهره‌مندی این کشور از درآمدهای انتقال گاز به کشورهای مصرف‌کننده است. درآمد پاکستان از محل انتقال گاز، حدود ۷۰۰ میلیون دلار برآورده شده است (Ravi, 2014, 48). خط لوله صلح ۲۶ که از عسلویه به خوزدار ۲۷ در پاکستان می‌رسد؛ از آن جا به دو شاخه تقسیم می‌شود که یکی به بندر کراچی و دیگری به شهر مولتان می‌رود. از مولتان خط لوله‌ای به طول ۱۰۰۰ کیلومتر، گاز ایران را به دهلی‌نو منتقل می‌کند (شفیعی، ۱۳۸۲: ۶۵). ایران، هند، پاکستان از مدت‌ها قبل مذاکرات گسترده‌ای را در خصوص خط لوله صلح داشته‌اند؛ اما فشار آمریکا بر هندوستان و پاکستان در خصوص قراردادهای گازی با ایران موجب شده، تا مذاکرات سه‌طرف در این خصوص به تعویق بیفتد. به علاوه، آمریکا در روابط مبتنی بر انرژی، شرکت‌های هندی را تحت فشار قرار داده تا از همکاری با ایران خودداری کنند. فشار برای کناره‌گیری هند از خط لوله صلح را نیز می‌توان در این راستا نام برد. خط لوله صلح که امکان انتقال گاز از ایران به پاکستان و هند را فراهم می‌نماید، از اوایل دهه ۱۹۸۰ مطرح شده است. این خط لوله، منافع حیاتی هند و پاکستان از یک‌سو و ایران از سوی دیگر را تأمین می‌کند و می‌تواند زمینه همکاری میان این سه کشور مهم در منطقه جنوب و غرب آسیا را فراهم کند، اما چون آمریکا آن را کمک به بودجه هسته‌ای ایران و حمایت از فعالیت‌های تروریستی قلمداد می‌کند، هند را تحت فشار قرار داده تا از این طرح کناره‌گیری کند (سجادپور و کریمی‌قهرودی، ۱۳۹۰، ۲۵۳-۲۵۲).

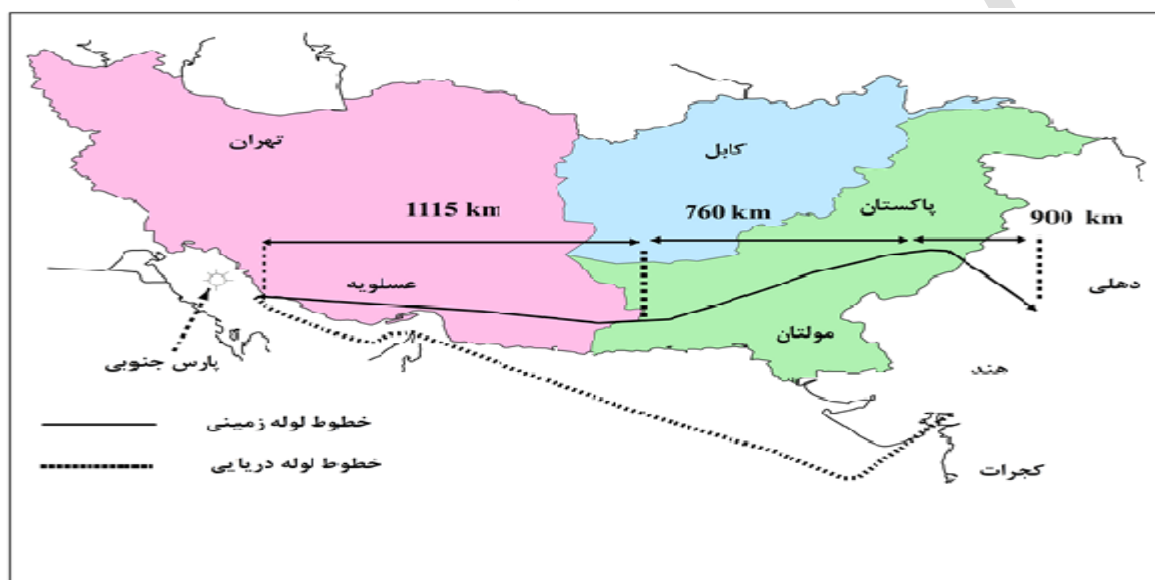
از نظر آمریکا به عنوان قدرت هژمون بین‌المللی، پروژه خط صلح باعث محوریت یافتن نقش و جایگاه ایران در منطقه و افزایش درآمد اقتصادی و همچنین باعث توسعه مناسبات سیاسی، امنیتی و اقتصادی ایران با هند، پاکستان و تغییر تراز تجاری به سود ایران می‌شود. از دیگر دلایل مخالفت آمریکا این است که طرح مزبور را عامل تقویت نفوذ و جایگاه ایران در خلیج فارس و همچنین به وجود آمدن مزیت خاص رقابتی برای ایران در منطقه می‌داند؛ چون کشورهای عربی فاقد مرز زمینی با پاکستان هستند (موسوی شغائی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۷۰). هم‌اکنون آمریکا از خط لوله تاپی که یک طرح انتقال گاز طبیعی ترکمنستان از مسیر افغانستان به پاکستان و هند است، به عنوان جایگزینی برای خط لوله صلح، حمایت می‌نماید (Kramer, 2018: 6)، تا از این طریق، ضمن مهار کردن و حذف رقبا از بازار انرژی منطقه، معادلات قدرت را در راستای اهداف و سیاست‌های واشنگتن و هم‌پیمانان آن در آسیای مرکزی و جنوب آسیا شکل بخشد. در صورتی که خط لوله صلح به مرحله عملیاتی برسد؛ ضمن ایجاد جو اعتماد بین طرفین، منجر به رفع بحران‌های منطقه‌ای و گره خوردن منافع کشورها به یکدیگر می‌شود. ایران در صورتی که بازارهای عمده تقاضاکننده

²⁶ - IPI (India-Pakistan-Iran)

²⁷ - Khuzdar

گاز جهان را از آن خود کند، می‌تواند در آینده‌ای نه چندان دور، تأثیرات مثبت آن را ببیند؛ بنابراین در صورت عملی شدن خط لوله صلح، نه تنها ایران به بازارهای شرق آسیا مانند چین، کره جنوبی و ژاپن دست خواهد یافت؛ بلکه توسعه اقتصادی ایران افزایش یافته و امنیت ملی آن نیز بیش از پیش تأمین می‌شود. در واقع، دستیابی به بازارهای گاز طبیعی از طریق خط لوله صلح، ایران را به یک قدرت تراز اول در جهان مبدل می‌کند؛ چرا که هژمونی انرژی توان و قدرت ایران را افزایش می‌دهد.

شکل ۱: مسیر خط لوله گازی ایران- پاکستان و هند



(محمدی و احمدی، ۱۳۹۶: ۳۱۶)

به طور کلی، سه مشکل عمده سیاسی بر سر راه پروژه خط لوله صلح وجود دارد که عبارتند از: ۱- بی‌ثباتی‌های سیاسی در بلوچستان و نگرانی پاکستان از عبور خط لوله از این منطقه؛ ۲- منازعات هند و پاکستان و ترس از این که پاکستان از این خط لوله استفاده ابزاری بکند؛ ۳- مخالفت‌ها و کارشکنی‌های آمریکا در اجرای این پروژه. در واقع، خط لوله ایران، پاکستان و هند تهدیدی علیه تلاش‌های آمریکا در جهت مهار ایران نیز به شمار می‌آید. با این حال، این واقعیت که گاز، 53 درصد از ترکیب انرژی پاکستان را تشکیل می‌دهد، نباید مورد غفلت قرار گیرد و همین امر پاکستان را مجبور می‌کند تا پروژه خط صلح را در جهت تضمین رشد اقتصادی و به دست آوردن امنیت انرژی پیگیری کند (ذوالفقاری، ۱۳۹۸: ۱۲۰-۱۱۹). رسانه‌های دولتی در ۳۰ ژانویه ۲۰۱۸ به نقل از بیژن نامدار زنگنه وزیر نفت ایران می‌گویند: «اجرای پروژه تاپی برای انتقال گاز به هند برای رقابت با خط لوله صلح بعید است». زنگنه به طور ضمنی اظهار داشت: «پروژه تاپی ممکن است تلاش عربستان سعودی و آمریکا برای عدم تحقق اهداف ایران در منطقه باشد ... در نهایت، تمام موانعی که هدف آن‌ها جلوگیری از تقویت موقعیت ایران در بازار انرژی جهانی است، ناکام خواهند ماند» (Eurasianet, 2018: 6). برخی از کارشناسان، سیاست حمایت‌آمیز آمریکا از خط لوله تاپی را در راستای مقابله با نفوذ چین در منطقه به خصوص در کشورهایی چون ترکمنستان می‌دانند (Zimmerman, 2015: 6-9). در این راستا، باید توجه داشت که واشنگتن از پروژه تاپی به عنوان ابزاری سیاسی برای مهار نفوذ چین در منطقه بهره می‌برد. ایالات متحده تلاش دارد تا از طریق این پروژه، فشار بر حوزه انرژی و مسیرهای ژئوپلیتیکی را افزایش دهد و نفوذ اقتصادی و سیاسی پکن در آسیای جنوبی را محدود سازد.

بر این اساس گفته می‌شود؛ تلاش آمریکا برای انتقال گاز ترکمنستان به هند در چارچوب رقابت این کشور با چین و مهار آن در منطقه قابل تجزیه و تحلیل است. در این زمینه، حتی برخی تحلیل‌گران تلاش آمریکا برای حذف چین از این پروژه را بازی با حاصل جمع صفر ارزیابی می‌کنند (Osmani, 2016: 1-3). ساخت خط لوله تاپی یک پیروزی استراتژیک در برابر روسیه و چین محسوب می‌شود؛ زیرا این پروژه دسترسی به منابع نفتی ایران و روسیه در آسیای مرکزی و دریای خزر را تهدید می‌کند. این دقیقاً مانند یک پیروزی ژئواکونومیکی است که آمریکا در خط لوله باکو-جیهان از آن خود نمود و توانست با این اقدام روسیه و ایران را دور بزند و مانع از صدور نفت آن‌ها به بازارهای بین‌المللی گردد (Nazemroaya & Halliday, 2012: 56). در این رابطه، عمران‌خان در ۲۸ جولای ۲۰۱۸، بیان داشت: «خط لوله تاپی قابل قیاس با خط لوله واردات گاز از ایران نیست و حتی اگر این پروژه اجرایی شود؛ باز اسلام‌آباد نیاز به تأمین انرژی از ایران دارد». عمران‌خان با تأکید بر صرفه اقتصادی گاز ایران نسبت به گاز مایع وارداتی به پاکستان، از اهمیت بهبود روابط کشورش با کشورهای همسایه به ویژه ایران صحبت کرد و این مسأله را «اولویت سیاست خارجی پاکستان» نامید (کیانی، ۱۳۹۷: ۳). همچنین ایشان تصریح کرد: «ایران و پاکستان نیز می‌توانند برای حل مسائل جهان اسلام، از جمله موارد مربوط به افراط‌گرایی و تروریسم، همکاری کنند» (Isna News Agency, 2018: 2) و معادلات و نظم منطقه‌ای را در جهت اهداف و منافع منطقه‌ای خود شکل دهد.

۹. نتیجه‌گیری

در نوشتار حاضر تلاش شد با استفاده از اصول و بنیادهای نظری واقع‌گرایی ته‌اجمی، به تجزیه و تحلیل سیاست خارجی آمریکا در قبال پاکستان در دوره ترامپ پرداخته شود. کشور پاکستان از زمان تأسیس در سال ۱۹۴۷ کشوری مهم در معادلات سیاسی و امنیتی آمریکا قلمداد شده است. مجموعه‌ای از روابط نزدیک از همکاری تا اتحاد و ائتلاف و گاهی دوری و کمرنگی در روابط بین این دو کشور وجود داشته است. راهبرد جدید آمریکا در افغانستان که از سوی ترامپ مطرح شده؛ زنگ هشدار به پاکستان است که پناهگاه گروه‌های تروریستی در خاک خود است. ترامپ بر این موضوع تأکید دارد که خروج نیروهای نظامی آمریکا و ناتو از افغانستان منجر به افزایش نقش گروه‌های تروریستی در منطقه خواهد شد. بر اساس چنین انگاره‌ای است که وی سیاست باراک اوباما برای به رسمیت شناختن غیررسمی طالبان را نادیده گرفته و تلاش دارد تا زمینه افزایش محدودیت‌های اقتصادی و نظامی برای پاکستان و اعزام نیروهای نظامی آمریکا به افغانستان را در دستور کار قرار دهد. در دوران ریاست جمهوری ترامپ، نشانه‌هایی از تغییر در الگوهای رفتاری آمریکا به وجود آمده است. ترامپ ترجیح می‌دهد؛ تا نیروی نظامی بیشتری برای مقابله با طالبان و داعش به افغانستان اعزام کند. وی ضمن حمایت از دولت افغانستان خواهان تقویت نیروهای امنیتی این کشور برای مقابله با شبکه‌های جهادی است. با توجه به اهمیت ثبات سیاسی افغانستان برای ایالات متحده، مقامات واشنگتن نسبت به حمایت پاکستان از افراط‌گرایی اسلامی در افغانستان نگرانی امنیتی دارند که این خود باعث برجسته‌تر شدن سیاست فشار و تهدید در رویکرد ترامپ نسبت به پاکستان شده است. ترامپ احتمال دسترسی تروریست‌ها به سلاح‌های هسته‌ای پاکستان را تهدیدی برای منطقه و منافع واشنگتن قلمداد می‌کند که این خود می‌تواند چشم‌انداز صلح و ثبات را در آسیای جنوبی خدشه‌دار کند. همچنین گسترش فزاینده نفوذ چین در پاکستان به ویژه با توجه به نقش پکن در کریدور اقتصادی پاکستان، سبب حساسیت ایالات متحده نسبت به پاکستان شده است. در این راستا؛ آمریکا به روابط قوی با هند برای مقابله و مهار چین در پاکستان نیاز دارد تا از این طریق قدرت رو به رشد پکن در صحنه سیاست اسلام‌آباد را تعدیل نماید و از نفوذ منطقه‌ای آن در جنوب آسیای بکاهد. در این رابطه، هند از ایالات متحده انتظار دارد که نسبت به حمایت پاکستان از افراط‌گرایی اسلامی در افغانستان سیاست سرسختانه‌ای در قبال اسلام‌آباد اتخاذ نماید تا از این

طریق از گسترش هر چه بیشتر بی‌ثباتی و ناامنی در خاک افغانستان ممانعت ورزد. از سویی، ایالات‌متحده در تلاش است از اجرایی شدن خط لوله صلح که باعث افزایش درآمد اقتصادی و همچنین باعث توسعه مناسبات سیاسی و امنیتی ایران با هند و پاکستان خواهد شد، جلوگیری نماید. طبیعی است که غرب و به ویژه آمریکا نگران باشد که ایران توانایی اقتصادی فزاینده ناشی از اجرای خط لوله صلح را به توانایی ناشی از میراث ریشه‌دار فرهنگی خود در شبه‌قاره گره بزند و اهرم‌های بیشتری برای مهار و کنترل سیاست غرب در این منطقه به دست آورد. هر چند آمریکا و کشورهای دیگری از خط لوله تاپی به عنوان جایگزینی برای خط لوله صلح حمایت کرده‌اند، اما با توجه به چالش‌هایی در روابط پاکستان-هند و افغانستان-پاکستان، این کشورها نگران سوءاستفاده بازیگران رقیب از این خط لوله با هدف تأمین منافع خود هستند. در این رابطه، چین علاقمند است تا به عنوان اصلی‌ترین واردکننده گاز ترکمنستان باقی بماند و علاقمند به تقویت نفوذ آمریکا در افغانستان و پاکستان و شکل‌گیری معادلات قدرت به نفع واشنگتن نیست. این در حالی است که عمران‌خان منافع کشور خود را در گسترش روابط همه‌جانبه با ایران می‌داند و برای بهره‌مندی اسلام‌آباد از بسته‌های جدید انرژی در صدد عملیاتی شدن خط لوله انتقال گاز ایران به پاکستان برآمده است که این امر ضمن کاهش بحران کمبود گاز مصرفی در این کشور، کمک شایانی به توسعه روابط خارجی جمهوری اسلامی و پاکستان خواهد کرد.

کتابنامه

- برزگر، کیهان و زهرا محمودی(۱۳۹۴)، «تحلیل سیاست آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای پاکستان از منظر نوواقع‌گرایی و سازه‌انگاری»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ششم، شماره ۴۰، صص ۱۴۸-۱۲۰
- شیرودی، مرتضی و سید بسم‌الله مهدوی(۱۳۹۱)، «عوامل مؤثر بر روابط سیاسی پاکستان و آمریکا(۱۳۸۴-۱۳۲۶ ش/۲۰۰۵-۱۹۴۷م)»، فصلنامه سخن تاریخ، سال ۶، شماره ۱۷، صص ۱۸۴-۱۵۳
- صبغیان، علی و مسعود فتحی‌پور(۱۴۰۰)، «انگیزه‌ها و اهداف کمک‌های خارجی امریکا؛ مطالعه موردی پاکستان»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۱۰، شماره ۳۸، صص ۱۳۹-۱۱۱
- کتابی، محمود و یدالله دهقان و سارا دهقان نصیری(۱۳۹۵)، «تبیین روابط استراتژیک چین و پاکستان»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره پنجم، شماره اول، صص ۴۰-۷
- کیانی، علیرضا «صلح گازی با ایران؛ ره‌آورد انتخابات پاکستان؟»، روزنامه تعادل، ۱۳ مرداد ۱۳۹۷، شماره ۵۴۷، قابل دسترسی در سایت: <http://www.taadolnewspaper.ir>
- محمدی، مصطفی و شهروز ابراهیمی(۱۳۹۰)، «روابط هسته‌ای پاکستان و آمریکا از ۱۹۴۷ تا ۲۰۱۰»، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره، سال سوم، شماره ششم، صص ۱۵۳-۱۳۵
- مشیرزاده، حمیرا(۱۳۹۰)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت، چاپ اول، صص ۳۸۵-۱
- موسوی‌شفائی، مسعود و قاسم اصولی و رؤیا رسولی(۱۳۹۳)، «تبیین مسیرهای انتقال انرژی براساس نظریه‌های روابط بین‌الملل: مطالعه موردی خط لوله تاپی و صلح»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۲۰، شماره ۸۵، صص ۱۸۹-۱۶۱
- ذوالفقاری، مهدی(۱۳۹۸)، «افراگرایی فرقه‌ای در پاکستان و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره، سال یازدهم، شماره ۳۶، صص ۱۲۴-۱۰۳

- سجادپور، سید محمد کاظم و مائده کریمی قهرودی (۱۳۹۰)، «رقابت هسته‌ای هند و پاکستان و پیامدهای آن برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال چهاردهم، شماره چهارم، صص ۲۵۸-۲۲۷
- سلطانی، محمدجواد «روابط پاکستان و آمریکا، دورنمای آینده و فرصت‌ها و ملاحظات پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران»، **اندیشکده راهبردی تبیین**، ۲۲ آبان ۱۳۹۶، قابل دسترسی در سایت: <http://tabyincenter.ir>
- شفیعی، نوذر (۱۳۸۲)، «ژئواکونومی خط لوله گاز ایران به جنوب آسیا و پیامدهای امنیتی آن»، **فصلنامه سیاست دفاعی**، سال یازدهم، شماره ۴۲، ۸۲-۵۷
- شفیعی، نوذر و مائده کریمی (۱۳۹۱)، «بررسی مقایسه‌ای سیاست خارجی آمریکا در قبال هسته‌ای شدن هند و پاکستان (بعد از جنگ سرد)»، **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست**، سال اول، شماره ۳۴، صص ۱۲۵-۱۰۵
- محمدی، حمیدرضا و ابراهیم احمدی (۱۳۹۶)، «تبیین مدل ژئوپلیتیک روابط ایران و پاکستان»، **پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، دوره ۴۹، شماره ۲، صص ۳۲۳-۳۰۷
- Afzal, Madiha (October 26, 2020), "Evaluating the Trump administration's Pakistan reset", **brookings**, available at: <http://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2020/10/26/evaluating-the-trump-administrations-pakistan-reset/>
- Al-Bayati, T. Hamid (October 6, 2020), **Donald Trump's New World Order: U.S. Credibility, Reputation, and Integrity**, Fairleigh Dickinson University Press, pp. 1-364
- Albright, David (2002), "Al Qaeda's Nuclear Program: Through the Window of Seized Documents", **Nautilus**, available: http://www.nautilus.org/archives/fora/Special-Policy-Forum/47_Albright.html#sect2/
- Ali, Murad (2019), **The Politics of US Aid to Pakistan, Aid Allocation and Delivery from Truman to Trump**, Routledge is an imprint of the Taylor & Francis Group, an informa business, pp. 1- 196
- Chandio, Khalid Hussain (2018), "Trump and South Asia: Politics of Pakistan-US Relations in Perspective", **Journal of Current Affairs**, Vol. 3, No. 1, pp. 57- 73
- Chandran, Nyshka (August 22, 2017), "Trump just cranked up the rivalry between two nuclear giants", available at: <https://sports.yahoo.com/trump-just-cranked-rivalry-between-054840840.html>
- Chanysh, Volha (2009); «India's Nuclear Program», Nuclear Age Peace Foundation, **NUCLEARFiles**, 3 September, http://www.nuclearfiles.org/menu/key-issues/nuclearweapons/issues/proliferation/india/charnysh_india_analysis
- Cloughley, Brian (2018), "Trump's Pakistan Policy Is a Disaster", **Strategic Culture**, 11 January, available at: <https://www.strategic-culture.org/news/2018/01/11/trump-pakistan-policy-disaster/>
- Cohen, Stephen P. (2016), **The South Asia Papers: A Critical Anthology of Writings by Stephen Philip Cohen**, Brookings Institution Press, pp. 1-396
- Cronin, Richard And Alan Kronstadt And Sharon Squassoni (May 24, 2005), **Pakistan's Nuclear Proliferation Activities and the Recommendations of the 9/11 Commission: U.S. Policy Constraints and Options**, Congressional Research Service, PP. 1-103
- **Eurasianet** (2018), "Ambitious TAPI Pipeline Grows Closer To Completion", 10 Feb, Available at: <https://oilprice.com/Geopolitics/International/Ambitious-TAPI-Pipeline-Grows-Closer-To-Completion.html>

- Haider, Ejaz(2020), “US-Pakistan Relations: Structural Constraints”, **thefridaytimes**, 31 July, available at: <https://www.thefridaytimes.com/us-pakistan-relations-structural-constraints/>
- Hashim, Asad(2017), “Pakistan parliament condemns Trump’s Afghan policy”, **Aljazeera**, 30 Aug, available at: <https://www.aljazeera.com/news/2017/8/30/pakistan-parliament-condemns-trumps-afghan-policy>
- Hashim, Asad and Kay Johnson(Nov 10, 2016), “Donald Trump gives Pakistan jitters for his tilt towards rival India”, available at: <https://www.livemint.com/Politics/EefUOgh570kI9CYvA3kIvM/Donald-Trump-gives-Pakistan-jitters-for-his-tilt-towards-riv.html>
- Hassan, Saadat and Shahid Hussain Bukhari (2020), “Pakistan-United States Relations in Trump Era and FATF”, **Review of Economics and Development Studies**, Vol. 6 (1), pp. 117-124
- Hoodboy, Pervaiz (2013), “interview to DAWN”, available: <http://dawn.com/2013/02/20/pervez-hoodbhoy-the-bomb-isimmoral>
- Goldberg, Jeffrey and Mare Ambinder (2011), The Pentagon’s Secret Plans to Secure Pakistan’s Nuclear Arsenal, available at: <http://www.nti.org/gsn/article/the-pentagons-secret-plans-tosecure-pakistans-nuclear-arsenal>
- **ISNA News Agency** (2018), “Pakistan’s Imran Khan eager to broaden ties with Tehran”, 28 July, Available at: <https://en.isna.ir/news/97050603012/Pakistan-s-Imran-Khan-eager-to-broaden-ties-with-Tehran/>
- Kaura, Vinay and Trump Era(2017), US–Pakistan relations in the Trump era: Resetting the terms of engagement in Afghanistan”, **Quarterly of ORF Occasional Paper**, 4(2),pp. 97-128
- Kaura, Vinay(2017), “US–Pakistan Relations in the Trump Era: Resetting the Terms of Engagemet in Afghanistan”, **Quarterly of Occasional Papers**, 4(16), pp. 1-34
- Kay, Chris, Faseeh Mangi and Iain Marlow (January 11, 2018), “Trump Is Playing a Dangerous Game With Pakistan”, **Bloomberg Businessweek**, Available at: <https://www.bloomberg.com/news/articles/2018-01-11/trump-is-playing-a-dangerous-game-with-pakistan/>
- Kerr, Paul K. and Mary Beth Nikitin (May 10, 2012), **Pakistan’s Nuclear Weapons: Proliferation and Security Issues**, Congressional Research Service, pp. 1-95
- Kramer, Andrew E. (Feb 23, 2018), “Afghanistan Breaks Ground on 1,127-Mile ‘Peace Pipeline’”, Available at: <https://www.nytimes.com/2018/02/23/world/asia/afghanistan-pipeline-tapi.html>
- Larssen, Rolf Mowatt (2008), “the Strategic Threat of Nuclear Terrorism”, **The Washington Institute**, 16 June, Available at: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/strategic-threat-nuclear-terrorism>
- Luce, Dan De (March 26, 2018), “Is Trump Ready to Dump Pakistan?”, **Foreignpolicy**, Available at: <https://foreignpolicy.com/2018/03/26/is-trump-ready-to-dump-pakistan/>
- Manchester, Julia(January 2, 2018), "Trump tweet sparks emergency government meeting in Pakistan," The Hill, available at: <https://thehill.com/policy/international/367057-trump-iweet-sparks-emergency-government-meeting-in-pakistan-protests>
- Mirza, Muhammad Nadeem And Hussain Abbas And Ummul Baneen (2020), “Mapping Contours of Reconciliation and Peace Process in Afghanistan: Policy Options for Pakistan”, **Journal of Peace Development & Communication**, vol. 4, No. 1, pp. 1–22
- Musharraf, Pervez (2006), **In the Lin of Fire**, New YorkSimon & Schuster, pp. 1- 368

- Nabil, Rahmatullah (April 20, 2017), "The World Must Secure Pakistan's Nuclear Weapons", **The New York Times**, Available at: <https://www.nytimes.com/2017/04/20/opinion/the-world-must-secure-pakistans-nuclear-weapons.html>
- Nadim, Hussain (2017), "Neither Friend nor Foe: Pakistan, the United States and the War in Afghanistan", **Lowy Institute for International Policy**, pp. 1- 17
- Nazemroaya, Mahdi Darius and Denis J. Halliday (2012), **The Globalization of NATO**, **Clarity Press, INC**, September 15, pp. 1- 414
- Northam, Jackie(2019), "Trump Meets With Pakistan's Prime Minister Imran Khan", **capradio**, available at: <https://www.capradio.org/news/npr/story?storyid=744574942>
- Osmani, Rohullah, (2016), "TAPI gas pipeline: are Sino-U.S. relations a zero-sum game?", **CACI Analyst**, Available at: <https://www.cacianalyst.org/publications/analytical-articles/item/69956-tapi-gas-pipeline-are-sino-us-relations-a-zero-sum-game?.html>
- **Pew Research Center** (2012), "Pakistani Public Opinion Ever More Critical of U.S.", available in: <http://www.pewglobal.org/2012/06/27/pakistani-public-opinion-ever-more-critical-of-u-s/>
- Ravi, Chaitanya (2014), "Intersection of Debate over Iran-Pakistan-India Pipeline and US-India Nuclear Deal", **Academia**, Available at: https://www.academia.edu/9254280/Intersection_of_debate_over_Iran-Pakistan-India_pipeline_and_US-India_nuclear_deal
- Riedel, Bruce(May 20, 2010), "Pakistan's Role in the Afghanistan War's Outcome", **Brook ings Institution**, available at: <https://www.brookings.edu/opinionspakistans-role-in-the-afghanistan-wars-outcome>
- Schweller, Randall L. (1996), "Neorealism,s Status Quo Bais: What Security Dilemma", **Security Studies**, Vol 5. No 3, pp. 90-121
- Shah, Fahad (2018), "Trump, Pakistan, and Kashmir", **TheDiplomat**, 20 February, Available at: <https://thediplomat.com/2018/02/trump-pakistan-and-kashmir/>
- Siddiq, Ayesha(2011), "Pakistan's Counterterrorism Strategy: Separating Friends from Enemies", **The Washington Quarterly**, 34(1), pp. 149-162
- Singh, Jasjit (1998), **Nuclear India**, New-Delhi: Knowledge World, pp. 1- 324
- Sirohi, Seema (2018), "Donald Trump's attitude towards Pakistan more realistic than recent US Presidents", **The Economic Times**, 3 Jan, Available at: <https://economictimes.indiatimes.com/4-5974238129358373762/>
- **Sputniknews** (2018), "Former Ukrainian President's Case Based on Political Lynching – Lawyer", 14 February, Available at: <https://sputniknews.com/interviews/201808131067157770-yanukovich-political-lynching/>
- Stewart , Phil and Idrees Ali (2017), "Exclusive: Trump administration eyes hardening line toward Pakistan", **Reuters**, 19 June, Available at: <https://www.reuters.com/article/us-usa-pakistan-exclusive/exclusive-trump-administration-eyes-hardening-line-toward-pakistan-idUSKBN19B0C8>
- Sublette, Carey(2002), "Pakistan's Nuclear Weapons Program The Beginning", **The Nuclear Weapon Archive**, available: <http://nuclearweaponarchive.org>
- Taliaferro, Jeffrey W. (1999), "security Under Anarchy: Defensive Realism Reconsidered", **international studies association**, pp. 1-16
- Taliaferro, Jeffrey W.(2001), "Security Seeking under Anarchy: Defensive Realism Revisited", **Quarterly of International Security**, 25(3), pp. 128-161

- Tierney, Dominic (2018), “North Korea Wants to End up Like Pakistan, Not Libya”, **the atlantic**, 26 May, available at: <https://www.theatlantic.com/international/archive/2018/05/north-korea-pakistan-libya/561341/>
- Trump, Donald John (2017), “Remarks by President Trump on the Strategy in Afghanistan and South Asia”, **The White House**, Available at: <https://www.whitehouse.gov/briefings-statements/remarks-president-trump-strategy-afghanistan-south-asia/>
- Waltz, Kenneth H. (1979), *Theory of International Politics*, New York: Random House.
- Yusuf, Moeed (2017), “A Marriage Estranged: The Strategic Disconnect between Pakistan and the United States”, **Quarterly of Asia Policy**, 24(1), pp. 46-52
- Zamarayeva, Natalya (February 25, 2019), “THE AFGHAN CONFLICT: Afghanistan’s relations with Pakistan”, available at: <https://www.ebforum.eu/the-afghan-conflict-afghanistans-relations-with-pakistan/>
- Zimmerman, Thomas (2015), “The New Silk Roads: China, the U.S., and the Future of Central Asia”, at: available at: http://cic.nyu.edu/sites/default/files/zimmerman_new_silk_road_final_2.pdf

Analysis of Trump's foreign and security policy towards Pakistan

Hamid Dorj²⁸

Abstract

Pakistan's geopolitical and strategic location in South Asia has always placed the country at the center of US foreign policy. Since the founding of Pakistan, relations between Washington and Islamabad have experienced many ups and downs, ranging from close cooperation to cold and neutral relations. Accusing Pakistan of harboring terrorist groups, Trump has adopted an approach based on political pressure and imposing sanctions on the country, which has caused a noticeable chill in relations between Washington and Islamabad. From the perspective of the US government, the lack of seriousness required by the Pakistani government in effectively combating terrorist groups has led the White House to reduce and even suspend military and economic aid to the country. In this context, the main question of the article is: what policy is the Trump administration pursuing towards Pakistan? The research hypothesis is that the Trump administration has adopted a punitive and strict approach towards Islamabad for reasons such as Pakistan's lack of sufficient commitment to countering terrorism, concerns about the possibility of Islamist militants gaining access to the country's nuclear facilities, and, on the other hand, weakening and containing its regional and trans-regional rivals, including Russia, China, and Iran. In this regard, the Trump administration's policy of pressure towards Pakistan, as a tool within the framework of US foreign policy, has weakened bilateral relations and reduced the level of political and security cooperation between the two countries. In this study, the research hypothesis is tested by utilizing the theory of aggressive realism and relying on a descriptive-analytical method.**key words:** Trump, Pakistan, security, terrorism, aggressive realism.

²⁸. PhD in International Relations, University of Guilan, Rasht, Iran (Corresponding author)